

علی فلاحیان و اشمید باوئر به دادگاه برلین احضار شدند

• وکلای مدافع بعضی از متهمین اعضای سازمانهای امنیتی آلمان هستند

دادگاه متهمان ترور کتر صادق شرفکنندی، فتاح عبدلی، نوری دهکردی و همایون اردلان که در برلین جریان دارد در ادامه کار خود از مقامات بلند پایه امنیتی آلمان و جمهوری اسلامی دعوت کرد که برای ادای توضیحات در دادگاه حاضر شوند. افشاگری های گسترده مطبوعات آلمانی، از جمله مجله معتبر ویر تیراز اشپگل، در مورد همکاریهای تنگاتنگ اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی و دولت آلمان، موجب شد که ریاست دادگاه میکونوس از علی فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی و شمید باوئر هماهنگ کننده سازمانهای امنیتی آلمان در دفتر صدراعظم، رسماً برای حضور در دادگاه دعوت کند. وکلای مدافع شاکیان خصوصی پرونده، قبلاً از رئیس دادگاه ادای توضیحات در دادگاه حاضر شده. همزمان با اجابت این خواست، دادستان آلمان طی یک نامه رسمی به وزارت خارجه آلمان از این وزارتخانه خواست دولت ایران را در جریان احضار علی فلاحیان به دادگاه قرار دهد. در کنار دعوت این دو مقام بلند پایه امنیتی به دادگاه، احضار دست اندرکاران آلمانی که به نوعی با واقعه ترور میکونوس مربوط می شوند به جلسات رسمی و یا کمیسیونهای پارلمان آلمان و پارلمان ایالتی برلین ادامه دارد. دادگاه میکونوس به حادته قابل توجهی در محافل سیاسی آلمان تبدیل شده است و صف بندی آشکاری را بین احزاب سیاسی آلمانی پدید آورده است. در یک سوی این صف بندی دولت آلمان و احزاب عمده این کشور قرار گرفته اند که می گویند تا آنجا که امکان دارد رد پای جمهوری اسلامی در این پرونده کمرنگ شود روابط گرم و دوستانه تهران-برلین تخریب نگردد. اما از سوی دیگر احزاب ترقی خواه و مدافع حقوق بشر در کنار برخی از مقامات

ادامه در صفحه ۳

آخرین گزارش عفوبین الملل درباره بازداشت، شکنجه و اعدام مخالفان در ایران

• عفوبین الملل: شکنجه، محکومیت های دراز مدت، مجازات اعدام و ترور فعالین اپوزیسیون در خارج از کشور و جوه مشخصه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی است

این دعوتها استقبال کرد و آمادگی خود را برای اعزام هیات های نمایندگی به ایران اعلام داشت، با این قصد که نخستین دیدار در اوایل سال ۹۳ صورت پذیرد. اما تا اکتبر ۱۹۹۳ هیچ نشانه ای دال بر آمادگی مقامات ایرانی برای پذیرش یک هیات به چشم نخورده است. حکومت جمهوری اسلامی همانند موارد پیشین در برابر گزارش عفوبین الملل واکنش تندی نشان داد. در بیانیه ای که وزارت خارجه جمهوری اسلامی در این باره صادر کرد، گزارش عفوبین الملل و نیز گزارش تابستان گذشته کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد را یک سلسله جعلیات خواند که بر پایه گزارشهای گروههای مخالف حکومت تنظیم شده است. این در حالیست که اغلب گزارش های کمیته حقوق بشر سازمان ملل مستند به گزارشهایی است که با نماینده ویژه این کمیته در سفر به ایران و بازدید از زندانها تهیه کرده و با مدارک و دلایل انکارناپذیری در صحت آنها وجود دارد.

دوشنبه هفته گذشته عفو بین الملل آخرین گزارش خود را با عنوان "قریبان نقض حقوق بشر در ایران" منتشر کرد. عفوبین الملل در گزارش خود می نویسد: محکومیت دراز مدت برای زندانیان سیاسی، استفاده مستمر از شکنجه، مجازات اعدام و ترور فعالین اپوزیسیون در خارج از ایران و جوه مشخص کننده وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران بشمار می روند. عفوبین الملل در گزارش خود می گوید در محاکمات سیاسی در جمهوری اسلامی گزارش از حقوق اساسی خود یعنی برخورداری از محاکمه علنی و عادلانه، دسترسی به وکیل مدافع یا خانواده محروم اند. دلایل بازداشت یا اتهامی که به آنان نسبت داده می شود اعلام نمی شود و بسیاری از بازداشت شدگان بر پایه اعتراضاتی که در زیر شکنجه از آنها گرفته می شود، محکوم و اعدام می شوند. عفوبین الملل برای اثبات این نظر

خود موارد مشخصی را با نام و مشخصات متهمین با استناد به آخرین گزارش کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد که ماه ژوئیه ۱۹۹۳ انتشار یافت، گواهی آورد. در گزارش آمده است: در سال ۹۲ عفوبین الملل بیش از ۳۳۰ مورد اعدام ثبت کرده است که ۱۲۰ مورد آن اعدام های سیاسی بوده است. عفوبین الملل می گوید که آزار و اذیت زنان به بهانه عدم رعایت کامل حجاب ادامه دارد و در هجوم سراسری علیه فسق و فجور و فساد که در تابستان گذشته به اجرا درآمد صدها تن بازداشت شده و تعدادی از آنان به خوردن تازیانه محکوم شدند.

عفوبین الملل در مقدمه گزارش خود با اشاره به دعوت علنی مقامات ایرانی از این سازمان برای بازدید از ایران، می نویسد: عفوبین الملل از

متن کامل گزارش عفوبین الملل را در صفحه ۶ می خوانید

بدنبال بازگشت مریم رجوی به فرانسه روابط تهران-پاریس متشنج شد

اول سازمان مجاهدین به فرانسه که هفته گذشته رسماً تأیید شد با واکنش تند و خشمگینانه جمهوری اسلامی مواجه شد و تشنج تازه ای در روابط دو کشور ایجاد کرد. به گزارش روزنامه های تهران، دولت جمهوری اسلامی از دولت فرانسه درخواست کرد که مریم رجوی را بی درنگ به ایران تحویل دهد. مجلس شورای اسلامی نیز در جلسه پنجشنبه گذشته خود نسبت به سفر گروهی از مجاهدین خلق به فرانسه واکنش نشان داد. مجلس تهدید کرد اگر فرانسه وی را از خاک خود اخراج نکند، مجلس اسلامی اقداماتی علیه فرانسه تصویب خواهد کرد. محمد جواد لاریجانی از سوی کمیسیون روابط خارجی مجلس به دولت فرانسه توصیه کرد: مریم و دوستانش را از فرانسه اخراج کند و الا ضربه جدی به روابط تهران و پاریس وارد خواهد شد. همه

ادامه در صفحه ۳

دولت ترکیه خواستار عملیات مشترک علیه کردهای ترکیه شد

خارجه جمهوری اسلامی به ترکیه، نخست وزیر ترکیه در یک گفتگوی مطبوعاتی، به دولت های ایران، سوریه، لبنان و ارمنستان درباره حمایت این دولت ها از کردهای شورشی مخالف دولت ترکیه، هشدار داد. وی گفت: "ما می دانیم که اعضای حزب کارگران کرد ترکیه توسط کشورهای همسایه از جمله ایران حمایت شده و آموزش می بینند." در این مصاحبه چیلر همچنین گفت: "ما می دانیم که تروریستها گاه بیگانه از مرز این کشورها وارد ترکیه می شوند. اینک می خواهم بطور علنی این موضوع را مطرح کنم که اقدامات شدید سیاسی را در این مورد آغاز کرده ایم." دولت ترکیه همواره دولت جمهوری اسلامی را متهم به کمک به شورشیان کرد ترکیه کرده است و

ادامه در صفحه ۲

بدنبال انتشار گزارش کمیسیون تحقیق مجلس و صداوسیما رو در روی یکدیگر قرار گرفتند

انتشار گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورا در مورد عملکرد صداوسیما به مشاجره شدید بین آن دو انجامیده است. کمیته منتخب مجلس در گزارش ۲۷۰ صفحه ای خود ادعا کرده است که صداوسیما در هفت سال گذشته از فرهنگ اسلامی فاصله گرفته و بسوی فرهنگ غربی گرایش پیدا کرده است. بگفته این گزارش حزب الهی ها از این سازمان تصفیه شده و غرب زده ها جایگزین آنها شده اند. گزارش

ادامه در صفحه ۲

نیروهای انتظامی تا ۳۰ هزار نفر افزایش خواهند یافت

سرتیپ سیف الهی فرمانده نیروی انتظامی کشور که برای بررسی عملکرد ناحیه انتظامی فارس به این استان سفر کرده بود، در یک مصاحبه مطبوعاتی ضرورت امنیت کامل کشور را مورد تأکید قرار داد و گفت: برای تأمین بیش از پیش امنیت، ما به سیصد هزار نیروی انتظامی احتیاج داریم. به گفته وی برای افزایش نیروهای انتظامی اقداماتی صورت گرفت و از جمله یک لایحه استخدامی تسلیم مجلس شورای اسلامی شده است. از زمان تشکیل کابینه جدید، وزارت کشور تلاشهای گسترده ای را برای مقابله با ناامنی آغاز کرده است. افزایش قابل ملاحظه نیروهای مسلح و انواع اقدامات بمنظور حفظ انسجام و فرمانبری این نیروها از جمله این تلاشهاست.

مجلس شورا در مورد عملکرد صداوسیما به مشاجره شدید بین آن دو انجامیده است. کمیته منتخب مجلس در گزارش ۲۷۰ صفحه ای خود ادعا کرده است که صداوسیما در هفت سال گذشته از فرهنگ اسلامی فاصله گرفته و بسوی فرهنگ غربی گرایش پیدا کرده است. بگفته این گزارش حزب الهی ها از این سازمان تصفیه شده و غرب زده ها جایگزین آنها شده اند. گزارش

وزارت اطلاعات در صداوسیما

در گزارش کمیسیون تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی در مورد عملکرد صداوسیما فاش شد که خامنه ای دستور داده است وزارت اطلاعات تولید و پخش برنامه های رادیو تلویزیون را تحت کنترل و نظارت بگیرد. در گزارش مذکور فرمان خامنه ای خطاب به رئیس سازمان صداوسیما چنین آمده است: "بی شک باید وزارت اطلاعات در نقطه ای از مسیر تولید و پخش حضور داشته باشد. این را بررسی کنید." در گزارش کمیسیون تحقیق و تفحص گفته نشده است که این "حضور" چگونه تأمین شده و وزارت اطلاعات به چه صورت و تا چه اندازه برنامه های رادیو تلویزیون را مورد کنترل قرار می دهد.

در این شماره

- پارلمان تارسیم دموکراتیک **در صفحه ۸**
- کدام طبقات واقشار **در صفحه ۱۱**
- حامل آرمانهای سوسیالیستی اند؟ **در صفحه ۹**
- مناقشه آبخازستان: **در صفحه ۷**
- مسئله ملی، دخالت خارجی **در صفحه ۹**
- آیا ایدز را چاره ای هست؟ **در صفحه ۷**

شکست سیاست ارزی دولت

بانک مرکزی در ماه اخیر برای چندمین بار بصورت متوالی نرخ ارزهای خارجی را در مقابل ریال بالا برد و قیمت دلار رایج ۱۷۰ تومان رساند. نرخ دلار در بازار آزاد پیش از این قیمت رسمی افزایش یافت و به حدود ۱۷۷ تومان رسید. بانک مرکزی که در رقابت با بازار آزاد عمل می کند با افزایش نرخ دلار کوشید که نوسانهای شدید آنرا مهار کند و از میزان تقاضای آن بکاهد. ولی این اقدامات تأثیر چندانی بر کاهش تقاضای ارز نگذاشت.

علیرغم تلاش های دولت رفسنجانی مبنی بر تثبیت نرخ ارزهای خارجی، بجه دلیلی بازم بازار ارز در چارچوب نوسانات شدید شد؟ علت را باید در سیاست های اقتصادی دولت جستجو کرد. در اوایل امسال کمیته تنظیم بازار ارز آئین نامه ای تصویب کرد که بر اساس آن بخش عظیمی از تقاضای ارز بازار آزاد خارج شده و به انحصار دولت درمی آید. اجرای این سیاست به تشدید رکود اقتصادی منجر گردید. تشدید رکود اقتصادی و نیاز به برخی کالاها موجب شد که مسئولین حکومتی ورود بخشی از کالاها را بدون انتقال ارز از طریق سیستم بانکی آزاد اعلام نمایند. بعلاوه وارد کنندگان کالا که می دانستند نرخ تعرفه های گمرکی متناسب با نرخ ارز شناور اصلاح خواهد شد، کوشیدند کالاها را هر چه بیشتری وارد مرزهای گمرکی کشور کنند تا از نرخ بهره بر مینای دلار ۱۷۰ ریال سود جویند. از سوی دیگر اخیراً دولت به افرادی که تعهد ارزی دارند اخطار کرد که بقیودت برای پرداخت دیون ارزی خود اقدام نکنند و متخلفین را به جرمه های سنگین تهدید کرد. این اخطار موجب شد که متعهدین ارزی به بازار ارز مراجعه کنند. مجموعه عوامل بالا تقاضا برای ارز را افزایش داد ولی دولت که با کمبود جدی ذخایر ارزی روبرو است، قادر نشد به این تقاضای فزاینده پاسخ مثبت دهد. لذا هجوم به بازار آزاد ارز افزایش یافت و قیمت ها بالا رفت.

مسئولین اقتصادی کشور برای مقابله با نوسان نرخ ارز در بازار آزاد از یکسو نرخ شناور ارز را بالا بردند و از سوی دیگر کلیه دستگا های دولتی و شرکت های وابسته به دولت، بنیادها و نهادها را مکلف کردند که نیازهای ارزی خود را بعد از این از طریق شبکه بانکی تأمین کنند و از مراجعه به بازار آزاد ارز برای رفع نیازهای خود، اجتناب ورزند. همچنین بر اساس تصمیمات دولت واردات کلیه کالا های تجاری و خدمات بدخل کشور بدون انتقال ارز با از طریق گشایش اعتبارات و پروات وصولی به ثبت سفارش نزد وزارت بازرگانی منوط گردید. همزمان با آن اعلام شد کلیه کالا های تجاری وارداتی به کشور که فاقد برگ سبز گمرکی است، قاچاق تلقی خواهد شد. قاچاق تلقی خواهد شد. هیئت دولت مقررات جدید صادرات و واردات را تصویب نمود که بر پایه آن دریافت حقوق و عوارض گمرکی حذف شده و بجای آن فقط

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

چرا بر گشتند؟

پس از مرگ خمینی، یک تلاش آنها نیکه زمام امور را در جنگ خود گرفتند این بود که بند ریج آن جناح از حکومت را که خود، خود را "خط امامی" معرفی می کرد، از ارگانهای قدرت در حکومت تصفیه نماید. گروه حاکم در رژیم اسلامی ۴ سال بطور پیگیر این سیاست را پیش برد و تا حد زیادی موفق شد دست "خط امامیها" را ابتدا از مجلس خبرگان و سپس از مجلس شورای اسلامی و پیش از اینها از دولت کوتاه نماید.

این تصفیه ها و مقاومت تصفیه شونده ها تنها جنگ قدرت و مبارزه بر سر صندلی نبود یا حداقل وانمود می کردند که چنین نیست. تصفیه کننده ها که ائتلافی از گروه رفسنجانی و گروه بازار - روحانیت بود، از واقع گرایی، تدبیر و اصلاح سخن می گفتند و ادعا داشتند که می خواهند از اوضاع زمان خمینی فاصله بگیرند و از "شعار" دست برداشته و شعور "راجا یگزی" آن کنند.

در این چهار سال، ادعاها درباره شعور و تدبیر و اصلاح حاصلی بیار نیاورد و بعضا حتی تدبیری و شعاری افزایش یافت، ولیکن تندروهای خط امامی از کانونهای اصلی قدرت رانده شدند. حال، پس از ۴ سال گویا ورق برگشته، رویه گروه حاکم نسبت به خط امامیها تغییر کرده است. مجمع روحانیون مبارز که تشکیلات عمده تندروها و منشعب از جامعه روحانیت مبارز در زمان خود خمینی بود، در پی ملاقات خامنه ای و کروی بی بطور نا منظره فعالیت خود را از سر گرفته است. آنطور که روزنامه های تهران نوشته اند مجمع روحانیون مبارز بزودی فعالیت خود را در اکثر شهرهای کشور از سر می گیرد.

هر چند از سرگیری مجدد فعالیت مجمع روحانیون مبارز بمعنی باز یافت موقعیت از دست رفته آنها در حکومت نیست، اما این پرسش بطور جدی مطرح است که دلیل بازگشت مجدد مجمع روحانیون به صحنه سیاسی کشور چیست؟ آیا گروه حاکم پس از ۴ سال سیاست طرد و تصفیه در مورد منتقدان درونی رژیم اکنون سعه صدر پیشه کرده و حاضر به تحمل و پذیرش فعالیت رسمی آنهاست، یا دست بندی تازه ای است که اینبار میان خامنه ای و تشکیلات کروی علیه گروه دیگری از حکومت صورت می گیرد؟ قابل توجه است که از انتخابات مجلس چهارم بدین سو، روزنامه سلام در دیگر پایچ "ولایت فقیه" نمی شود و عمده انتقادات خود را متوجه دولت رفسنجانی کرده است. با این همه هیچیک از موارد فوق دلیل بازگشت مجدد مجمع روحانیون به صحنه سیاسی کشور نیست. دلیل اصلی را باید در آن دید که ۴ سال سیاست طرد و تصفیه درباره "خط امامیها"

بدنه رژیم اسلامی را دچار شکاف کرد. با اینکه تندروها نیروی قابل ملاحظه ای در رژیم اسلامی نیستند، ولیکن شکاف حاصله در بدنه رژیم در شرایط حدت بحران در جامعه و درماندگی حکومت که در حال حاضر به اوج خود رسیده، می تواند بطور جدی بزبان رژیم تمام شود. دیدار خامنه ای با کروی و صدور اجازه از سرگیری فعالیت مجمع روحانیون تلاشی است که برای ترمیم شکاف در صفوف نیروهای وابسته به نظام و در درجه اول صفوف روحانیت صورت می گیرد. هر چند هنوز روشن نیست که رفسنجانی تا چه حد به این تلاش روی موافق نشان داده است، لیکن انگیزه خامنه ای در این اقدام ناشی از این نگرانی است که اوضاع برای کل، رژیم اسلامی در داخل و خارج کشور طوری نیست که هریک از گروهها و دستجات وابسته به رژیم تنها ساز خود را بزنند.

هنوز دیدار روشن نیست که در ملاقات خامنه ای و کروی چه گذشته است. حدود و ثغور فعالیت مجمع روحانیون تا کجا خواهد بود؟ یا سرنوشت روزنامه سلام و کسانی چون عباس عبدی سردبیر این روزنامه که هم اکنون در بازداشت بسر می برد، چه خواهد شد؟ آیا سلام با برخی گرایشهایی که بنازگی در آن روزنامه جوانان زده بود و نگاه متفاوت و مثبتی به برخی جوانب زندگی اجتماعی سیاسی و فرهنگی جامعه داشتند، همچنان راه خود را بی خواهد گرفت؟

قدر مسلم این است که ملاقات خامنه ای و کروی که به از سرگیری فعالیت مجمع روحانیون منجر شد، یک آشتی کنان ساده و تنها به سود تشکیلات کروی نیست. بنابراین کسب آنچه مجمع روحانیون بدست آورده به احتمال زیاد در ازای چیزهایی است که این تشکیلات باید از آن چشم ببوشد. حتی این آشتی کنان می تواند سیاست تازه ای باشد از سوی گروه حاکم برای جلب گرایشها و عناصر محافظه کار "خط امامیها" و حذف و منزوی کردن گرایشها و عناصری که خواستهها و مطالباتشان در ظرف رژیم اسلامی نمی گنجد.

اخراج ۳ دیپلمات ایرانی از سوئد

دوشنبه هفته گذشته دولت سوئد اقدام به اخراج سه دیپلمات جمهوری اسلامی از این کشور کرد. مقامات سوئدی این سه دیپلمات را متهم به جاسوسی و جمع آوری اطلاعات علیه ایرانیان پناهنده در سوئد کرده اند. در پی این اقدام و در پاسخ به آن روز پنجشنبه گذشته رژیم اسلامی در اقدامی انتقامی دست به اخراج سه دیپلمات سوئدی از ایران زد.

اتهام جاسوسی علیه اپوزیسیون ایرانی در سوئد در دست زمانی مطرح می شود که در دو کشور آلمان و فرانسه تروریست های ارسالی رژیم اسلامی حاکم بر ایران در حال محاکمه اند و یا محاکمه آنان در حال تدارک است. با توجه به این واقعیتها و نیز شواهد دیگری که حاکی از اقدامات

شکست سیاست ارزی ...

ادامه از صفحه ۱

سود بازرگانی دریافت خواهد شد. با اجرای این مصوبه سود بازرگانی کالا های وارداتی بر اساس نرخ شناور محاسبه خواهد شد و با نتیجه میزان آن حدود ۲۴ برابر افزایش خواهد یافت. دولت رفسنجانی با وجود یکسان کردن نرخ ارز اول امسال همچنان مطالبه سود بازرگانی را بر مبنای ۷۰ ریال حفظ کرده بود. این امر موجب شد که صنایع با زهم ضربه ببینند.

در ادامه این اقدامات، اعلام شد که از این پس ورود بی رویه کالاها از مناطق آزاد کیش و قشم ممنوع شده و ورود کالا فقط از طریق خود مسافر انجام خواهد شد نه بصورت کارت و انبوه.

کنترل و سخت گیری نسبت به واردات و تداوم جریانی در زمینه مسائل ارزی در درجه اول ناشی از کمبود شدید ذخایر ارزی کشور است. میزان ذخایر ارزی کشور بشدت کاهش یافته است. این مسئله به کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی و به بدی های عظیم رژیم اسلامی مربوط می شود. به نوشته مطبوعات کشورهای نفت خیز ایران به ۱۴/۳۵ دلار کاهش یافته است. او یک دیگر قادر به کنترل بهای نفت و سقف تولید نیست. کاهش قیمت نفت به افت شدید درآمد های ارزی ایران منجر شده است. به گفته مقامات اقتصادی کشور با کاهش قیمت نفت در چند سال گذشته، سالانه ۶ میلیارد دلار از درآمد نفتی ایران کاسته شده است. در حالیکه بودجه کشور با بهای هریکه نفت ۱۸ دلار تنظیم شده بود.

رژیم اسلامی بدهی ۳۰ میلیارد لاری با آورده و قادر به پرداخت تعهدات ارزی خود نیست و مرتباً پرداخت آنها را عقب می اندازد و منابع کلانی را برای بهره آنها می پردازد. به نوشته روزنامه رسالت "نرخ بدهی های کوتاه مدت بانک مرکزی به خارجیان به طور متوسط حدود ۲۰ درصد در سال است و اگر حجم تعهدات موجود را فقط ۳۰ میلیارد دلار فرض کنیم رقم بهره قابل پرداخت سالانه ۶ میلیارد دلار خواهد بود.

دولت رفسنجانی می بایست هم این بهره کلان را بپردازد و هم اصل بدهی را. ناتوانی در بازپرداخت تعهدات مالی موجب شده است که اعتبار مالی ایران در مجامع بین المللی بشدت آسیب ببیند بگونه ای که موسسه بیمه دولتی صادراتی هرمس آلمان و دیگر آژانس های عمده صادر کننده اعتبار، واردات ایران را پوشش نمی دهند. این امر بر میزان واردات ایران از آلمان تأثیرات جدی گذاشته است. بگفته فیشرمدیر عامل برلینریک "اقتصاد آلمان با نگرانی شاهد کاهش ۵۰ درصد

مجلس و

صد او سیما ...

گرفته است. در اصفهان عده ای از مردم در مسجد گرد آمدند و به جوابیه صدا و سیما در ارتباط با نتایج تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی نشان داد و جوابیه مفصلی را تهیه و از شبکه سراسری رادیو پخش نمود. در این جوابیه گفته شده است علی اکبر پرورش که جزو تهیه کنندگان گزارش است، سابقه فعالیت در انجمن حجتیه داشته و یکی دیگر از تهیه کنندگان طرفدار مجاهدین خلق بوده است.

نمایندگان مجلس در مقابل این اقدام عکس العمل نشان دادند. با هنرنامه بنده تهران اظهار داشت که مجلس با قدرت تمام به تحقیق و تفحص در هر مورد که مصلحت بدانند اقدام خواهد کرد. دری نجف آبادی نماینده تهران نیز گفت که مدیریت صدا و سیما بجای اینکه در صدد اصلاح نقاط ضعف برآید بصورت یک قوه و بلکه فوق قوه به توهین به مجلس پرداخته است و پاسخ صدا و سیما خود بهترین دلیل بر خورد غیر اخلاقی و بدعت گزار و سواستفاده از قدرت است. رئیس مجلس شورا نیز اعلام کرد که خامنه ای اجازه تحقیق و تفحص صدا و سیما و اشخاص را صادر کرده اند. بگفته نمایندگان، خامنه ای جلوی پخش قسمت دوم جوابیه صدا و سیما را از رادیو

دولت ترکیه ...

ادامه از صفحه ۱

برای قطع کمک رژیم اسلامی به حزب کارگران کرد ترکیه به تهران فشار می آورد. متقابلاً دولت جمهوری اسلامی نیز آنکارا را بخاطر حضور تعدادی پناهنده سیاسی ایرانی که مقیم ترکیه هستند زیر فشار قرار می دهد. این کشمکش میان دو دولت تاکنون مانع از آن شده که بسیاری از ناهم نامه های امضا شده میان طرفین برای همکاری های امنیتی در طول مرزهای دو کشور عملی گردد.

واردات تهران از این در سال ۱۹۹۳ می باشد.

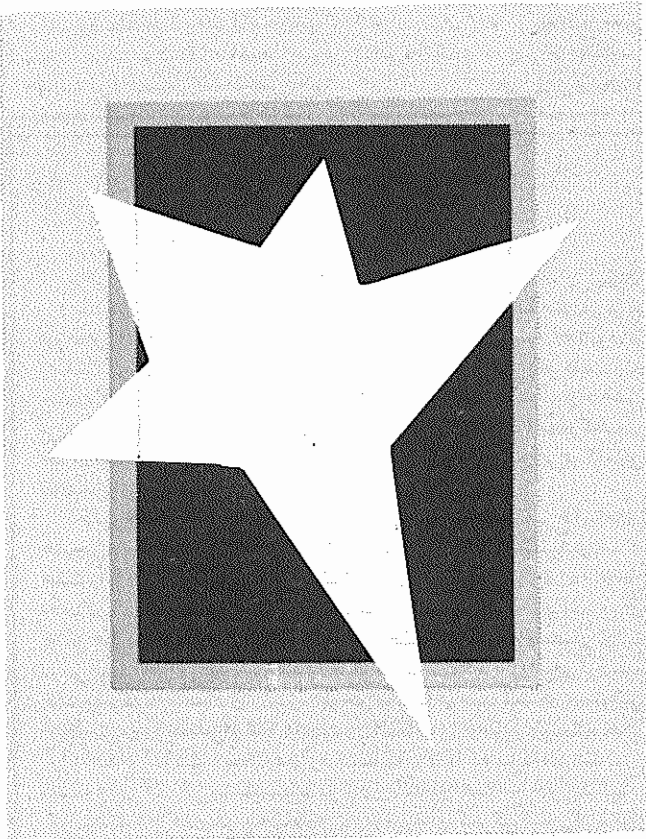
تداوم جریانی در زمینه مسائل ارزی و بازرگانی مغایر با سیاست "تجارت آزاد" و "بازار آزاد ارز" است که از جانب رژیم تبلیغ می شد و راه برون رفت از بحران اقتصادی بخشدار تحققی آن سیاست ها جستجویی گردید. در حقیقت این تداوم نشان از شکست آن سیاست های است که آسیب های جدی به اقتصاد کشور و بویژه تولیدات داخل وارد آورده است. سیاست درهای باز و واردات بی بند و بار از یکسو موجب افزایش بهیها و کاهش ذخایر ارزی کشور گردید و از سوی دیگر باعث ورشکستگی تعدادی از کارخانجات کشور و کود تولیدات داخلی شد. یکسان سازی نرخ ارز ضربه سنگین دیگری بر پیگر صنایع وارد ساخت. چرا که یکسان سازی نرخ ارز هزینه عوامل تولید را بالا برد و صنایع برای تأمین نیازهای خود به نقد بنگی کلان نیاز پیدا کردند که اکثر اقارب به تأمین آن نبودند. صنایع برای تأمین مواد اولیه و واسطه ای مجبور به خرید ارز از نظام بانکی بودند، ولی با ننگها به دلیل تنگناهای ارزی حاضر به گشایش اعتبار نبودند.

دخالت کنونی دولت در بازار آزاد ارز زبرر کود فعلی اقتصاد خواهد افزود و همزمان با کاهش واردات از جمله مواد اولیه و واسطه ای به افزایش قیمت ها و کاهش تولیدات داخلی خواهد انجامید.

سیاست های اقتصادی دولت رفسنجانی نه به تثبیت نرخ ارز انجامید و نه صنعت کشور را تقویت کرد. آنچه در عمل پیش رفت تضعیف صنایع و بخش تعطیلی آنها از یکسو و از سوی دیگر رشد بیمارگونه بخش خدمات و بازرگانی بود. سرمایه داری صنعتی در این سالها عقب رفت و سرمایه داری تجاری بطور سرسام آوری رشد کرد. "اقتصاد بازار" مورد نظر دولت رفسنجانی جای خود را به "اقتصاد بازاری" داد و منافع و مصالح تجارت بر سمت و سوی سیاست های اقتصادی بطور جدی تأثیر گذاشت. نمونه بارز آنرا می توان در این واقعیت دید که در حالیکه کشور از کمبود ارز رنج می برد و قادر به اجرای تعهدات مالی بین المللی خود نیست و سالانه ۶ میلیارد دلار بهره دیون خود را می پردازد، مغازه ها مملو از کالا های خارجی است که با درآمد ارزی حاصل از فروش نفت خریداری شده است.

ظاهر اساسیست تعدیل اقتصادی و "برنامه اول اقتصادی" بر پایه افزایش تولیدات کشور تنظیم شده بود و یکسان سازی نرخ ارز و تثبیت قیمت آن یکی از اجزا مهم آن بحساب می آمد. ولی آنچه در عمل پیش رفت تضعیف واحدهای تولیدی و تولیدات کشور، رشد سرسام آور بخش خدمات و بازرگانی، بالا آوردن بدهی ۳۰ میلیارد دلاری و نوسانات شدید ارزی است.

تضمینات اقتصادی اخیر دولت نشانگر آن است که سیاست "تعدیل اقتصادی" و "سیاست ارزی" دولت رفسنجانی در وجوه عمده خود شکست خورده و به اهداف خود دست نیافته است.



بیست و نهمین سالگرد
چشمش فدایان خلق را
هر چه باشکوهتر بر گزار کنیم!

اعتراض علیه مسئولان ورزش شدت گرفت

هنوز هیچ تغییری در کادر بالای دست اندر کاران فوتبال کشور به چشم نمی خورد و حتی نشانه های چنین تغییری نیز مشهود نیستند.

چنین به نظر می رسد که همان گونه که پیش بینی می شد، مسئولان ورزش کشور قصد دارند پس از قربانی کردن علی پروین و چهار مربی تیم ملی فوتبال، به صدارت بی درایت خود بروزش کشور ادامه

افکار عمرمی جامعه ایران، رسانه های عمومی منتشر در کشور و حتی بخش وسیعی از حکومتیان خواستار ایجاد تغییراتی در سطح مقامات بالای فوتبال کشور هستند. این خواست زمانی شدت می یابد، که با گذشت چندین هفته از اتمام بازی های مقدماتی جام جهانی در منطقه آسیا که منتج به بازماندن تیم ملی فوتبال ایران از حضور در بازی های جام جهانی فوتبال شد،

از نتایج وفاداری به "راه امام"

روزنامه سلام ضمن ابراز ناراضی از امحا کمه عاملان ترور برلین، نوشته است که سازمانهای اطلاعاتی و رسانه‌های غربی در یک هماهنگی کامل سعی در سیاسی کردن این محاکمه و متهم کردن جمهوری اسلامی دارند. به نوشته این روزنامه از ساعتی که دادستان کیفرخواست را قرائت کرد، در واقع جمهوری اسلامی پشت میز انجام قرار گرفته است و کسانی با تنظیم این گونه ادعا نامه‌ها در پی القا این ادعا هستند که دوا بر اطلاعاتی جمهوری اسلامی این ترور را هدایت و رهبری کرده‌اند. این روزنامه رهبران شهید حزب دموکرات را ضد انقلاب نامیده و دامن جمهوری اسلامی را از هر گناهی پاک دانسته است.

چندی پیش نیز، وقتی که روزنامه‌های فارسی زبان خارج از کشور دستگیری بدون دلیل عباس عبدی سردبیر این روزنامه را محکوم کردند، طی مقاله‌ای با عنوان "دشمن - دشمن است نیروهای اپوزیسیون را مورد حمله قرار داده به اصطلاح صف خود را مشخص کرد.

این قابل درک است که روزنامه‌هایی که سایه ولایت فقیه بالای سرشان قرار دارد، مجبورند برای خوشامد رهبر بسیار چیزها بنویسند، اما آیا در مورد سلام مسئله در همین "مجبور بودن" خلاصه می‌شود؟ سلام هنوز خود را پیرو راستین راه امام می‌داند. ویکی از بارزترین خصوصیات این راه "دشمنی یاد گراندینی است، دشمنی که با انبوهی از جتایات آمیخته است. سلام هر چند در صفحات روزنامه خود از ضرورت رعایت حقوق انسانها و آزادی سخن می‌گوید اما هنوز به گفته خود با دگراندیشان دشمن است و به این دشمنی افتخار می‌کند. همین دشمنی است که او را وامیدارد علیه دگر اندیشان همان قضاوتی و حتی رفتاری را داشته باشد که سایر گروهها و دستجات حکومتی دارند.

اعتراض علیه مسئولان ...

ادامه از صفحه ۲

دهند.

این خواسته اما نه تنها بی‌تفاوتی مردم و رسانه‌های گروهی مواجه نشده است، بلکه چنان اعتراضی را در میان آنان برانگیخته است که تا درون خود حکومتیان نیز گسترش یافته است. نمونه این گسترش نامه ۱۵۰ نفری نماینده مجلس شورای اسلامی است که نویسندگان در آن از جمله خواستار برکناری شخص غفوری فرد از ریاست سازمان تربیت بدنی کشور شده‌اند. مردم که خاطره پیروزی‌های بی‌پای ملی پوشان فوتبال کشور در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی و سال‌های آغازین پس از انقلاب را در ذهن دارند، اندوهگین از شکست تیم ملی فوتبال خود، بدرستی مقامات ندانم کار ورزش کشور را آماج شکایات و اعتراضات خویش نسبت به شکست تیم ملی فوتبالشان در مقابل تیم هائیتی نظیر عراق و عربستان می‌کنند، تیم هائیتی که در دوره‌های آقایی ایران بر فوتبال آسیا همواره به عنوان بازنده از پیش معلوم وارد میدان بازی با ایران می‌شدند. براستی نیز قربانی کردن مریبان تیم ملی فوتبال کشور به پای حفظ مسند و مقام مسئولان بی‌درایت و بی‌سیاست ورزش کشور بسیار نا عادلانه و غیر منصفانه است.

علی فلاحیان و اشمید باوئر ...

ادامه از صفحه ۱

دادستانی آلمان قصد دارند عاملین واقعی این ترور را افشا و در دادگاه محکوم سازند.

در خود دادگاه نیز این مبارزه در ابعاد کوچکتری جریان دارد. متهمان با آنکه به مخالفتی نیرومندی که با کیفرخواست دادستانی مبنی بر دخالت جمهوری اسلامی در ماجرای قتل وجود دارد، از پاسخگویی به سوالات دادستان امتناع می‌کنند و هر روز داستان تازه‌ای را می‌سازند.

در هفتمین و هشتمین جلسه دادگاه که هفته گذشته برگزار شد، یوسف امین یکی از متهمان مدعی شد که ترور از سوی "کردهای عراقی" سازمانهای ایرانی مخالف رژیم و سازمان موساد اسرائیل صورت گرفته است. او بدین منظور داستان کامل و مفصلی به دادگاه ارائه داد و کوشید ادعای دولت آلمان در نخستین روزهای بعد از ترور را بار دیگر زنده کند. دولت آلمان در نخستین واکنش خود در قبال ترور دکتر فکندی و همراهانش مدعی شده بود که این ترور احتمالاً کار گروهی اپوزیسیون و کردهای رقیب حزب دموکرات ایران بوده است. این ادعا بعداً و تا همین امروز بارها از سوی حکومت اسلامی ایران نیز تکرار شده است. امین که در بازجویی‌های اولیه، خود را عضو میسلس سازمان امل و حزب الله لبنان معرفی کرده بود، در دادگاه متکرر

روابط تهران - پاریس ...

ادامه از صفحه ۱

مطبوعات رسمی و دولتی نیز به موضع گیری علیه این سفر پرداختند و دولت فرانسه را به اقدامات متقابل و تخریب مناسبات تهدید کردند.

واکنش‌ها در تهران به اعتراضات دیپلماتیک و مطبوعاتی منحصر نماند. روز سه شنبه ۱۸ آبانماه، سفارت فرانسه و دفتر شرکت هواپیمایی "ایرفرانس" در تهران، مورد حمله قرار گرفتند.

موتورسواران با پرتاب نارنجک به سوی این دو محل، خساراتی وارد ساختند. در تهران گفته شد که این اقدامات تروریستی توسط "حزب الله جنوب تهران" صورت گرفته و هدف از آن اعتراض به دولت فرانسه بوده است. اما ۴ روز پس از این حملات، وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مدعی شد که حمله به سفارت و دفتر هواپیمایی ایرفرانس توسط سازمان مجاهدین صورت گرفته و یک عضو این سازمان در همین رابطه دستگیر شده است.

مجاهدین خلق این ادعا را رد کردند. در میان محافل سیاسی کمتر کسی است که جمهوری اسلامی را عامل این حملات نداند. دولت فرانسه، که پس از مدتی سکوت، ورود گروهی از مجاهدین به خاک خود را مورد تأیید قرار داد، درخواستهای دولت جمهوری اسلامی مبنی بر استرداد و یا اخراج مریم رجوی را رد کرد. وزارت خارجه فرانسه اعلام کرد که وی به عنوان پناهنده سیاسی، از اجازه اقامت در خاک فرانسه برخوردار است. وی از سال ۱۳۶۲ از فرانسه پناهنده سیاسی دریافت کرده و در سال ۱۳۷۰ اجازه اقامت او در این کشور تمدید شده است.

هنر و فرهنگ، بازیچه "ارزشهای نظام"

اسلامی رفتاری است که اخیراً با فیلمسازان و آثار آنها در پیش گرفته است. مجله فیلم در شماره ۱۴۸ خود در مطلبی با عنوان نکته‌ها در توضیح این برخورد چنین می‌نویسد:

سال گذشته همزمان با بالا گرفتن تب و تاب جشنواره فجر و سرعت گرفتن دست‌اندرکاران برای رساندن فیلمها و نمایش آنها در جشنواره از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام، یا در واقع وعده داده شد که فیلمهایی که با انجام اصلاحات پیشنهادی شورای بازبینی فیلم اداره کل نظارت و ارزشیابی (که همان وظایف کمیته انتخاب جشنواره را انجام می‌دهد) به نمایش درمی‌آیند، مجوز نمایش در جشنواره در حکم پروانه نمایش هم خواهد بود. این خبر در حالی منتشر شد که تمام فیلمسازان در شرایطی به شدت بحرانی و در روزهای پرکاری که هر لحظه اش قیمت داشت، خلع سلاح شدند. توان هر گونه مقاومت یا حتی بحث وجدلی را از دست داده بودند و ترافیک فشرده فیلمهای در انتظار بازبینی، باعث ایجاد یک موقعیت عصبی برای دست‌اندرکاران شده بود. از سوی دیگر لزوم شرکت فیلمها در جشنواره بنا به ملاحظات حرفه‌ای باعث شد تا فیلمسازان بسیاری اصلاحات پیشنهادی را بپذیرند. با نمایش فیلمها "اصلاح شده" در جشنواره، همه گمان می‌کردند که همه چیز به خیر و خوشی به هر حال تمام شده است. اما آنچه اتفاق افتاد جز این بود، زیرا پس از جشنواره، هنگامی که موقع صدور پروانه نمایش و نوبت اکران فیلمها رسید، در نهایت ناباوری خیر می‌رسید که برخی فیلمها دچار مشکل شده‌اند و برای برخی فیلمها

اختاپوس سانسور و فشار که حیات هنری و فرهنگی جامعه را در جنگال خود گرفته، هر روز به شکل‌ها و شبیه‌های گوناگون خود را به نمایش می‌گذارد. سیاستگزاران فرهنگی جمهوری اسلامی بر زمینه پیشین و اسپگرای خود نسبت به آفرینش‌های هنری و نیز به علت نداشتن یک سیاست و استراتژی واحد در قبال فعالیت‌های فرهنگی، تلاش‌ها و آفرینش‌های هنری و فرهنگی را با مشکلات و آسیب‌های فراوانی مواجه ساخته و جایگاه و مقام هنرمندان و نویسندگان را سخت خدشه‌دار ساخته‌اند.

واعظی، مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی چندی پیش در یک مصاحبه راديو تلویزیونی در اشاره به معضل فوق گفت: "پس از گذشت ۱۵ سال از پیروزی انقلاب هنوز یک استراتژی و برنامه کلان برای مسائل هنری کشور نداریم. . . . فعالیت‌های هنری باید از ارزشهای نظام متأثر باشند، اما اکنون بیشتر هنرمندان ما نمی‌دانند که چه ارزشهایی مورد تأیید و تشویق نظام است. . . ."

(کیهان هوایی - چهارشنبه ۱۴ مهر) بر بستر این گنجسری و سردرگمی سیاستگزاران رژیم که پیش از همه از نگرش قرون وسطایی آنها به فرهنگ و هنر نشأت می‌گیرد، هنرمندان و فرهنگسازان کشور هر روز با آئین‌نامه‌ها، موازین و احکام جدید و متناقضی مواجه‌اند که جز اختلال در رابطه هنرمند با مخاطبانش و جز خود سانسوری و افت فعالیت‌های فرهنگی و معنوی جامعه هیچ سود و هوده دیگری ندارند.

یکی از آخرین نمونه‌های برخورد متناقض و هنرستیزانه جمهوری

رجایی خراسانی:

روحانیون بسیاری طرفدار من هستند!

پس از مدت‌ها سکوت، رجایی خراسانی، در یک جلسه پرسش و پاسخ در حضور دانشجویان وابسته به جناح اکثریت در دانشگاه تهران به توضیح پیرامون نامه مشهور خود پرداخت. در این نامه که در تهران جنجال بزرگی برانگیخت و خطاب به خامنه‌ای نوشته شده است، رجایی خراسانی خواستار برقراری رابطه با آمریکا شده و حل مشکل جمهوری اسلامی را در گرو ایجاد این رابطه دانسته است. متن این پرسش و پاسخ رجایی خراسانی با دانشجویان که مدیر مسئول روزنامه رسالت نیز در

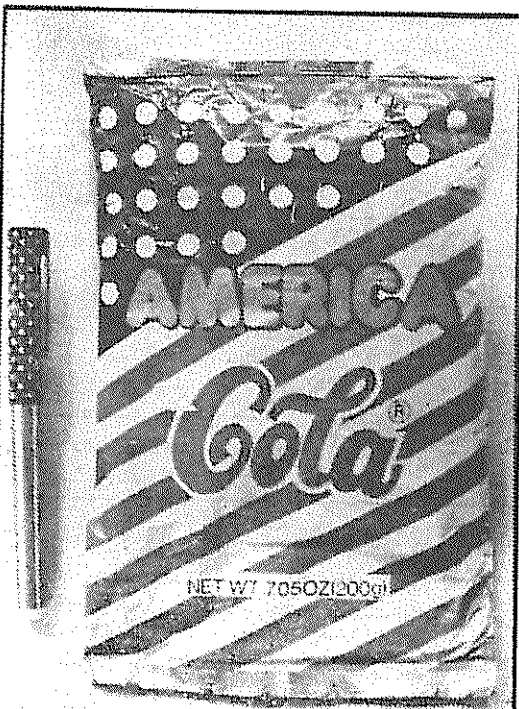
پس از مدت‌ها سکوت، رجایی خراسانی، در یک جلسه پرسش و پاسخ در حضور دانشجویان وابسته به جناح اکثریت در دانشگاه تهران به توضیح پیرامون نامه مشهور خود پرداخت. در این نامه که در تهران جنجال بزرگی برانگیخت و خطاب به خامنه‌ای نوشته شده است، رجایی خراسانی خواستار برقراری رابطه با آمریکا شده و حل مشکل جمهوری اسلامی را در گرو ایجاد این رابطه دانسته است. متن این پرسش و پاسخ رجایی خراسانی با دانشجویان که مدیر مسئول روزنامه رسالت نیز در

کدامیک پیروز خواهد شد، شعارهای ضد آمریکایی با کولاهای آمریکایی؟ در اوج جنجال ناشی از شعارهای ضد آمریکایی روز ۱۳ آبان، کولاهای منقوش با پرچم آمریکا مغازه‌ها و فروشگاههای تهران و شهرستان‌ها را پر کرده بود. روزنامه کیهان با چاپ عکس فوق سیاست "اقتصاد آزاد و باز کردن دروازه‌های کشور را" مورد حمله قرار داد و نوشت: "در حالیکه ملت قهرمان ما به نشانه نفرت... پرچم این کشور را به آتش می‌کشند، متأسفانه شکلات‌های آمریکایی و قلم‌هایی که با پرچم آمریکا تزئین شده در فروشگاههای بخش خصوصی و حتی در برخی از فروشگاههای دولتی به فروش می‌رسد"

اصلاحات "تازه‌ای" پیشنهاد شده است که چند فیلم به نمایش درآمده نیز نشانه‌هایی از اصلاحات را در خود داشتند، یک مرد، یک خرس یا حذف مجدد چند صحنه اجازه نمایش گرفت که بعد هم دیدیم با ممنوعیت پخش تیزر تلویزیونی، چه بلایی به سرش آمد. جمله‌های پایان فیلم "بازی بزرگان" هم حذف شد، اما موضوع را چندان جدی تلقی نکردیم، تا اینکه خبر رسید "افسانه پلنگ" بکلی توقیف شده، "بانو" بار دیگر از فهرست نوبت نمایش حذف شده، "آبادانی‌ها" و "ردبای گرگ" دچار مشکلات جدی اند. . . . دوباره بازار شایعه و حرفهای درگوشی گرم شد. اما این بار احساس آزار دهنده معیون شدن و فریب خوردن نیز به فضای بحرانی سابق اضافه شده بود: "مگر وعده نداده بودند که... پس چه شد؟"

راست این است که این بد قولی‌ها و خلف وعده‌ها اجزایی از آن خلف وعده بزرگی هستند که رهبران جمهوری اسلامی در فرادای انقلاب بهمن مرتکب شدند. آنها تا پیش از پیروزی انقلاب همه جا صحبت از رعایت آزادیهای سیاسی و اجتماعی، آزادی بیان و اندیشه و تأمین عدالت اجتماعی می‌کردند، اما پس از به قدرت رسیدن تنها چیزی را که رعایت نکردند، همین وعده و وعیدها بود. آنچه که امروز بر جامعه ما و بر هنرمندان و نویسندگان ما به عنوان جزئی از این جامعه می‌رود، همانا پیامد آن خلف وعده بزرگ دولتمردان جمهوری اسلامی در فرادای ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و نیز فدر کارست مجسمه‌ای از خرافات و احکام ضد و نقیضی است که "ارزشهای نظام" نام گرفته است.

برای یک دوره دیگر از دستور خارج کرده است، اما رجایی خراسانی در جلسه پرسش و پاسخ فوق از نامه خود دفاع کرده و مدعی شد که فکرا و طرفداران زیادی در میان روحانیون و -بویژه- در جناح چپ دارد. وی در پاسخ به یک سؤال کننده گفت: "اومی خواهد فکر مراه جناح راست نسبت دهد ولی نمی‌خواهد بگوید که من در جناح چپ بیشتر طرفدار دارم. روزنامه سلام در واکنش به این سخنان نوشت اکنون می‌خواهند این عضو جراحی شده "جناح راست" را که در انتخابات مجلس مورد تأیید جامعه روحانیت مبارز بوده است، مثل توپ فوتبال به زمین حریف خود بیاندازند و تحت شعار "کی بود - کی بود من نبودم" گناه را متوجه جناح رقیب سازند.



وزیر صنایع سنگین: سیاستهای ارزی دولت صنعت را بهر کودمی کشاند

هادی نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین در گفتگو با خبرنگاران در تبریز از سیاستهای ارزی دولت انتقاد کرد. نژاد حسینیان گفت: سیاستهای فعلی کنترل بازار ارز به نفع بخش صنعت نیست و تدوین این سیاستها موجب رکود و تعطیلی کامل بخش اعظمی از واحدهای تولیدی صنعتی کشور خواهد شد. وی افزود: بر اساس تصمیمات اخیر کمیته تنظیم ارز، واحدهای صنعتی تولیدی برای انجام امور معاملات خارجی خود اعم از خرید مواد اولیه و قطعات و صدور کالاهای ساخته شده باید در بانک مرکزی اعتبارات اسنادی افتتاح نمایند، در حالی که این کار موجب تعویق پرداخت بدیهی

هشدار معاون وزیر خارجه آمریکا به جمهوری اسلامی

ادوارد جرمیان معاون وزیر امور خارجه آمریکا در امپور خاورمیانه در کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان آمریکا (کمیته فرعی اروپا و خاورمیانه) سیاستهای کشورش را در مورد ایران و عراق اعلام کرد. وی گفت: مهار دو جانبه خط مشی جدیدی است که دموکراتهای آمریکا بی دربر بر رژیم های ایران و عراق اتخاذ کرده اند و آنرا جایگزین خط مشی "حفظ تعادل قدرت" حمزه بنخاهان ساخته اند و دولت کلینتون از سال گذشته این مشی را اجرا کرده است. معاون وزیر خارجه آمریکا در تشریح سیاست کشورش

داروها گرانتر می شوند

کریسیان مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی اخیراً در جمع تعدادی از بیمه شدگان و مستمری بگیران این سازمان گفت: اگر قیمت دارو برای بیمه شدگان افزایش یابد سازمان تامین اجتماعی به تنهایی نخواهد توانست بار عظیم افزایش قیمت دارو را به دوش بکشد و مطمئناً می بایستی به این سازمان کمک های دولتی پرداخت شود. این در حالی است که چندی پیش مریندی وزیر بهداشت، و درمان و آموزش پزشکی اعلام کرد که در برنامه پنج ساله دوم پرداخت سوسپند به بخش بهداشت و درمان کاملاً قطع خواهد شد و این

آغاز کار شبکه سوم تلویزیون

شبکه سوم تلویزیون از ۱۴ آذر ماه با پخش روزانه ۴ ساعت برنامه آغاز به کار می کند. شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، شیراز، کرج و بندرعباس و استانهای خوزستان، ایلام، سیستان و بلوچستان و بوشهر زیر پوشش این شبکه قرار خواهند گرفت. محمد هاشمی مدیر عامل صدا و سیما جمهوری اسلامی مهم ترین هدف راه اندازی شبکه سوم تلویزیون را "انبساط خاطر جامعه و پر کردن اوقات فراغت مردم" ذکر کرد و گفت: شکل و

تشدید حملات

جمهوری اسلامی به کردستان عراق

یک مقام مسئول دولت خود مختار کردستان عراق اعلام کرد که حکومت ایران یک دهکده کرد نشین عراق در ۴۰ کیلومتری مرز ایران را بمباران کرده است و حملات نظامی رژیم ایران به تدریج به مناطق مسکونی نزدیک می شود. هواپیماهای جمهوری اسلامی بر فراز پنجوین در نزدیکی سلیمانیه بزرگترین شهر کرد نشین عراق قدرت

خبرهای کوتاه

سرهنگ توکلی آزاد شد

سرهنگ توکلی نویسنده یک نامه سرگشاده به خامنه ای که در ماه گذشته بخاطر انتشار این نامه دستگیر شده بود آزاد شد. به همراه سرهنگ توکلی ۲۱ افسر ارتش بازداشت شده بودند که تعدادی از آنها نیز آزاد شده اند. مقامات رژیم جمهوری اسلامی تاکنون دلیلی برای بازداشت اولیه و آزادی بعدی افسران یاد شده ذکر نکرده اند.

ترور ۲ مجاهد دیگر در عراق

به نوشته روزنامه کیهان، دو تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق در روز ۱۲ آبان توسط افراد ناشناس ترور شدند. در این ترور که در منطقه "الجیش" عراق صورت گرفت، دو نفر از اعضای این سازمان مجروح گردیدند. عوامل جمهوری اسلامی در عراق در ماههای اخیر به یک رشته عملیات تروریستی علیه نیروهای مجاهدین در خاک عراق دست زده اند.

انحلال شرکت "پخش نو"

شرکت "پخش نو" توزیع کننده داروهای دامی و محصولات آزمایشگاهی وابسته به بنیاد مستضعفان تعطیل شد. این شرکت که در سطح کشور ۱۷ شعبه داشت، ۵۰۰ کارگر و کارمند خود را با خرید کرد و ماشین های خود را در معرض حراج گذاشت. علت انحلال این شرکت اعلام نشده است. ولی بنظر می رسد که این شرکت نیز در اثر بحران اقتصادی که بویژه در چند ماه اخیر تشدید یافته است دچار ورشکستگی شده باشد.

لغو سفر معاون وزیر خارجه به عراق

سفر سعید الفیصل معاون وزیر خارجه عراق به تهران که قرار بود هفته پیش صورت پذیرد لغو شد. پس از سفر محمد جواد ظریف معاون وزارت خارجه ایران به عراق در ماه گذشته اعلام شد که همتای عراقی وی متعاقباً به تهران سفر خواهد کرد. علت لغو سفر اعلام نشده است. محمود محمودی سخنگوی وزارت خارجه بدون ذکر تاریخی اظهار امیدواری کرد که سفر معاون وزارت خارجه عراق بزودی صورت پذیرد. مبادله اسیران جنگی دو کشور و پس دادن هواپیماهای عراقی که در طول جنگ خلیج فارس در خاک ایران به زمین نشستند، از جمله موضوعات مورد مذاکره در سفر محمد جواد ظریف به بغداد بودند.

تعویق محاکمه مدیر مسئول کیهان

جلسه دادگاه مهدی نصیری مدیر مسئول روزنامه کیهان برای دومین بار رسیدگی به پرونده شکایتهای علیه وی را به وقت دیگری موکول کرد. پرونده هایی که تاکنون به دادگاه ارسال شده است شامل شکایتهای عبدالمهدی آل طعمه، صدا و سیما جمهوری اسلامی، غلامحسین عالمی عضو کانون نویسندگان و بعضی از قضات دیوان اداری می باشد. تاکنون شکایت بزیدی رئیس قوه قضائیه به دادگاه فرستاده نشده است. مهدی نصیری اعلام کرده است که رسیدگی به شکایتهای یاد شده به جز شکایت آل طعمه در صلاحیت دادسرای ویژه روحانیت است.

راههای تازه برای افزایش درآمد شهرداری ها

به دستور رفسنجانی منابع جدیدی برای افزایش درآمد در اختیار شهرداریهای سراسر کشور قرار می گیرد. در نظر است که یک درصد از درآمد فروش تمامی واحدهای تولیدی مستقر در شهرک های صنعتی ونیم درصد از محل درآمد پیمانکاران پروژه های عمرانی اعم از ساختمانی و راهسازی به حساب شهرداریها واریز شود. همچنین قرار است که یک درصد قیمت اتومبیل های ساخت ایران و ۳ درصد بهای اتومبیل های وارداتی به شهرداریها پرداخته شود.

انجمن های اسلامی دانشجویی منزوی شده اند

دکتر محمد حسن شجاعی فرد معاون فرهنگی و امور مجلس وزارت فرهنگ و آموزش عالی در یک سخنرانی گفت: "با توجه به رهنمودهای رهبری مبنی بر حضور و مشارکت دانشجویان در عرصه فعالیت های سیاسی و با توجه به افول عملکرد انجمن های اسلامی و عدم گرایش دانشجویان به این تشکل ها بعلاوه دولتی شدن آنها تصمیم بر آن شد که دانشجویان بتوانند با ایجاد تشکل های سیاسی اجتماعی به صورت مستقل از جریانهای خاص سیاسی جامعه، در تمامی فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دلخواه خود مشارکت و حضور فعال داشته باشند."

"امید به زندگی" در ایران ۶۳ سال است

مرکز آمار ایران میزان امید به زندگی در کشور را بطور متوسط نزدیک به ۶۳ برآورد کرد. بر مبنای محاسبات انجام شده نقاط شهری استان تهران با رقم نزدیک به ۷۰ سال بالاترین و مناطق روستایی استان کردستان ۵۱ سال کمترین میزان را در سطح کشور دارند. در سال ۷۰ میزان باروری کل در کشور حدود ۴۹۰۰ نوزاد برای هر ۱۰۰۰ زن محاسبه شده و در نقاط روستایی این مقدار بیشتر است. مرگ و میر کودگان زیر یکسال در ایران با رقم متوسط ۶۰ در هزار در سال ۷۰ هنوز چند برابر کشورهای پیشرفته جهان است و رقم بیش از ۱۲۲ در هزار در مناطق روستایی کردستان با عقب مانده ترین مناطق جهان برابری می کند.

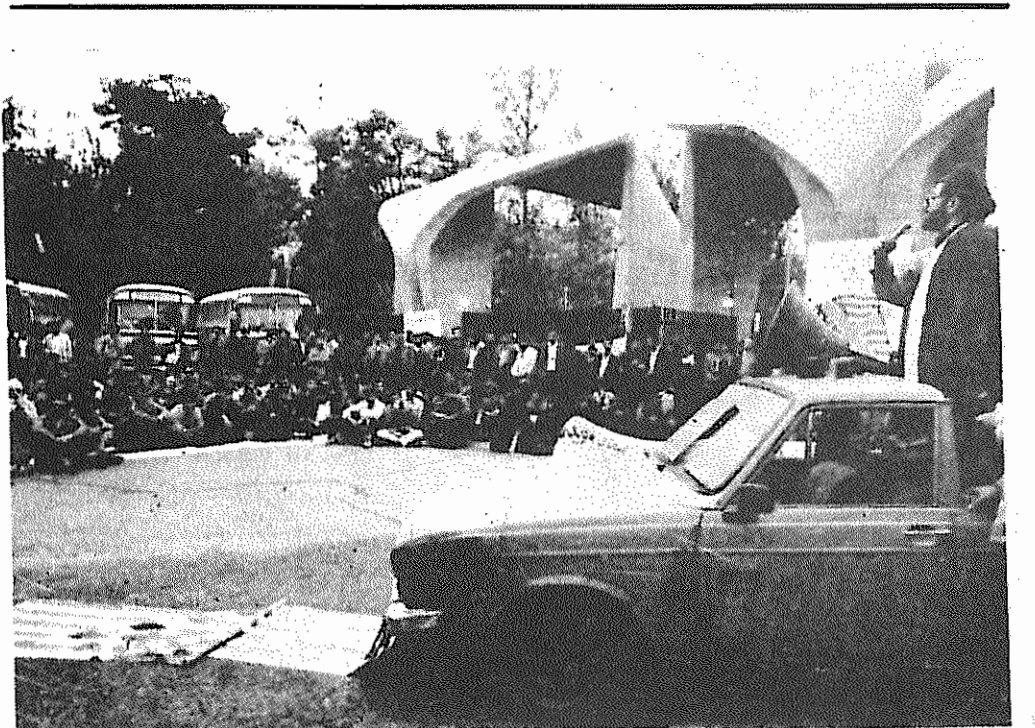
دستگیری یک عضو بنیاد فرهنگی کیهان

روزنامه کیهان در شماره ۲۳ آبان ماه خود تحت عنوان اخبار ویژه در خبری کوچک که به اطلاعیه های وزارت اطلاعات شباهت دارد، از دستگیری یکی از عوامل بنیاد فرهنگی کیهان خبر داده است. در خبر مزبور بدون ذکر نام فرد دستگیر شده، نقش وی جمع آوری مطالب و اطلاعات از داخل ایران توصیف شده است. در این خبر، بنیاد فرهنگی مزبور، یک بنیاد فراماسونری معرفی شده و آمده است: این بنیاد توسط جمعی از عناصر فرهنگی رژیم شاه و متمایل به

آیت الله جنتی رابه انگلیس راه اندادند

دولت انگلیس از سرور وادید برای آیت الله جنتی که قصد شرکت در کنفرانس دوازده بوسنی در لندن را داشت، خودداری کرد. این کنفرانس روزهای ۲۱ و ۲۲ آبان (۱۳ و ۱۴ نوامبر) در لندن برگزار شد. آیت الله جنتی که روزنامه های ایران وی را "نماینده مقام معظم رهبری در امور بوسنی هرزگوین" خواندند، در اعتراض به این تصمیم دولت انگلستان ابراز داشت: "ممکن است دولت انگلیس بپانه بگیرد که کسی علیه سیاست های استکباری آن در جایی سخن گفته باشد ولی اینها نمی تواند موجب امتناع از دادن ویزا شود.

همزمان با جلوگیری از ورود جنتی به انگلستان، روزنامه های این کشور به طور وسیع سخنان مختلف وی در مورد لزوم اعدام سلمان رشدی را منتشر ساختند. تصمیم دولت انگلستان، نشانه دیگری از سخت شدن بیشتر سیاست دولت انگلستان نسبت به جمهوری اسلامی است.



محتمشی برای هواداران خود که بمناسبت سالروز اشغال سفارت آمریکا گرد آمده اند، سخنرانی می کند. این مراسم که به دعوت دفتر تحکیم وحدت برگزار شد با استقبال ناچیزی مواجه گردید. وزارت کشور به دانشجویان اجازه راهپیمایی به سوی محل سفارت نداد و آنها را تهدید کرد، در صورت انجام راهپیمایی سرکوبشان خواهد کرد. محتمشی در سخنرانی خود به رفسنجانی و دولت وی به شدت حمله کرد. نماینده رشت در مجلس شورا، وزیر کشور را به خاطر عدم اجازه راهپیمایی به دانشجویان مورد سؤال قرار داد. چه در این مراسم و چه در مراسم رسمی، شعارهای تند، ستیزه جویانه و بی محتوای ضد آمریکایی حاکم بود.

جشنواره موفق و راهگشا

روزهای ۷ تا ۱۴ اکتبر سال میلادی جاری نخستین جشنواره سینمای ایران در تبعید در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار شد. در این جشنواره مجموعاً ۶۴ فیلم از ۳۱ فیلمساز ایرانی به نمایش درآمدند که به لحاظ موضوعی و موضوعی به مسائلی همچون نقض آزادیها و بی‌دادگری‌ها در ایران امروز و زمینه‌های تبعید و مهاجرت، مشکلات و معضلات انسان ایرانی در تبعید و نیز پرسامانها و مشکلات برخی از ملیت‌های دیگر و پاره‌ای از مسائل عام انسانی و اجتماعی مربوط می‌شوند. این فیلمها به لحاظ داستانی، پرداخت، بازیگری، فیلمبرداری و... همه از کیفیت یکسانی برخوردار نبودند به گونه‌ای که هم فیلمهای عالی و درخشان، هم ساخته‌های معمولی و غیر چشمگیر و هم آثار ضعیف و خامدستانه در جشنواره به نمایش گذاشته شدند. از برترین‌های جشنواره میتوان برای نمونه از میهمانان هتل آستوریا و یا چند جمله ساده از رضا علامه زاده، "رها" از فرخ مجیدی، "یک کورنی از داوود آخویان، و هم از محمد عقیلی، رابطه از امیر رضازاده، "گورباچف از رضا باقر، "فرستاده از پرویز صیاد و... نام برد.

در برنامه نزدیک به ۱۰ فیلم جشنواره به مسئله زنان تبعیدی مربوط می‌شد. فیلمهای "رها" (فرخ مجیدی)، "نظر تو چیست" (نسرین پاکچر)، سایه‌های بلند باد (امیر رضازاده) و... در این دسته جای می‌گرفتند. به رغم تعداد زیاد فیلمهای مربوط به مسائل زنان تنها سه فیلمساز زن یعنی خانم‌ها جمیلی ندایی، آریز میرفخرایی و نسرین پاکچر در جشنواره شرکت داشته که مجموعاً سه فیلم از آنها به نمایش درآمد. با توجه به اینکه در ایران به رغم فشارها و محدودیت‌ها شمار زنان دست‌اندرکار سینما روزبه روز فزونی

تازه‌های کتاب

این کتاب در سالهای قبل از انقلاب منتشر شد که به بررسی و تحلیل تعدادی از داستانهای آن دوره اختصاص داشت. سپانلو در جلد دوم عمدتاً به بررسی آثار نویسندگان مطرح پس از انقلاب پرداخته و برای اولین بار آثار عزیز نویسنده ایرانی خانمها شهرنوش پارسا پوز، گلای ترقی، مهین بهرامی، غزاله علیزاده، منیروروانی پورولیلی ریاحی را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

دیگر کسی صدایم نزد

انتشارات افسانه در سوئد اخیراً یک مجموعه داستان از امیر حسین چهل تن و یک داستان بلند از سردار صالحی را منتشر ساخته است. مجموعه اول "دیگر کسی صدایم نزد" نام دارد که آثار کوتاه چهل تن، نویسنده مطرح دهه اخیر را دربر می‌گیرد. این مجموعه چندی پیش در ایران هم انتشار یافته که البته نسبت به نسخه خارج داستان کم دارد! داستان بلند سردار صالحی "آن سوی مرداب" نام دارد. آدرس انتشارات افسانه به قرار زیر است.

AFSANE
BOX26036
75026UPASALASWEDEN

روزهای ۷ تا ۱۴ اکتبر سال میلادی جاری نخستین جشنواره سینمای ایران در تبعید در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار شد. در این جشنواره مجموعاً ۶۴ فیلم از ۳۱ فیلمساز ایرانی به نمایش درآمدند که به لحاظ موضوعی و موضوعی به مسائلی همچون نقض آزادیها و بی‌دادگری‌ها در ایران امروز و زمینه‌های تبعید و مهاجرت، مشکلات و معضلات انسان ایرانی در تبعید و نیز پرسامانها و مشکلات برخی از ملیت‌های دیگر و پاره‌ای از مسائل عام انسانی و اجتماعی مربوط می‌شوند. این فیلمها به لحاظ داستانی، پرداخت، بازیگری، فیلمبرداری و... همه از کیفیت یکسانی برخوردار نبودند به گونه‌ای که هم فیلمهای عالی و درخشان، هم ساخته‌های معمولی و غیر چشمگیر و هم آثار ضعیف و خامدستانه در جشنواره به نمایش گذاشته شدند. از برترین‌های جشنواره میتوان برای نمونه از میهمانان هتل آستوریا و یا چند جمله ساده از رضا علامه زاده، "رها" از فرخ مجیدی، "یک کورنی از داوود آخویان، و هم از محمد عقیلی، رابطه از امیر رضازاده، "گورباچف از رضا باقر، "فرستاده از پرویز صیاد و... نام برد.

در برنامه نزدیک به ۱۰ فیلم جشنواره به مسئله زنان تبعیدی مربوط می‌شد. فیلمهای "رها" (فرخ مجیدی)، "نظر تو چیست" (نسرین پاکچر)، سایه‌های بلند باد (امیر رضازاده) و... در این دسته جای می‌گرفتند. به رغم تعداد زیاد فیلمهای مربوط به مسائل زنان تنها سه فیلمساز زن یعنی خانم‌ها جمیلی ندایی، آریز میرفخرایی و نسرین پاکچر در جشنواره شرکت داشته که مجموعاً سه فیلم از آنها به نمایش درآمد. با توجه به اینکه در ایران به رغم فشارها و محدودیت‌ها شمار زنان دست‌اندرکار سینما روزبه روز فزونی

انتشار مخدوش بوف کور

بوف کور اثر پرآوازه صادق هدایت پس از یک توقیف ۱۴ ساله سرانجام با حذف پاره‌ای از جملات اجازه تجدید چاپ یافت و نشر سیمیرغ در تهران آن را در ۱۱۲ صفحه منتشر ساخت. بوف کور همچون بسیاری از آثار صادق هدایت و یا نوشته‌ها و تالیفات احمد کسروی، ایراج میرزا و... پس از انقلاب در ردیف آثار ممنوعه قرار داشته‌اند. گرچه بسیاری از این آثار در خارج از کشور در تیراژی محدود انتشار یافته‌اند، لیکن جمعیت کتابخوان داخل کشور از داشتن آنها محروم بوده‌است. بوف کور تقریباً به همه زبانهای زنده دنیا ترجمه شده و یکی از آثار مطرح ادبیات ایران در عرصه جهانی به شمار می‌رود، با اینهمه مردم ما بخاطر بینش واپسگرایانه کارگزاران جمهوری اسلامی می‌بایست ۱۴ سال از خواندن آن محروم باشند و حالاً هم تنها به نسخه مخدوش آن دسترسی پیدا کنند.

جلد دوم

"باز آفرینی واقعیت"

جلد دوم "باز آفرینی واقعیت" تالیف محمد علی سپانلو به زودی انتشار خواهد یافت. جلد نخست

بازتاب غربت در خیابان طولانی

مطلب زیر را یکی از خوانندگان نشریه درباره کتاب "خیابان طولانی" فرستاده که متن آنرا با اندکی تلخیص در زیر می‌خوانید.

نگاهی به کتاب خیابان طولانی از محمود فلکی
ناشر: نشر باران - سوئد

کافی است که غریب باشی و غربت را لمس کرده باشی تا نتوانی کتاب را تا به آخر بیکاره نخوانی. هوای روستایت و شهر کوچک در آخرین حفره‌های ریه‌ات هنوز حضور دارند و هیبت می‌گویند: غریبه کجا؟

حتی اگر در داری باشی که نسل به نسل هم در آنجا بدینا آمده باشی، باز هم وقتی که در ایستگاه اتوبوس ایستاده‌ای و منتظر، و اتوبوسهای آخرین مدل از مقابلت رژه می‌روند، احساسی داری که همان احساس غربت است. آنگاه که در دل حرفی داری و می‌خواهی به بغل دستی‌ات در تاکسی بزنی و میل نمی‌کنی از ترس گزیمه، غریبی. آنگاه که سخن می‌گویی و از عشق، از صداقت، از صلح، از دوستی و به ریش می‌خندند و فریاد جنگ، جنگ تا پیروزی سزمی دهند، غریبی.

اما غربت غریب غرب دیگر مقوله‌ای است تو را با خودت غریبه می‌کنند آنجا که باید بجای "علی با صدای عالی برگردی و جواب بدهی، آنجا که تو را به جای آزمايشگاه در آسپزخانه به طرفشویی و آشپزی و امیدارند. آنجا که بجای دودن در خیابان و گرفتن تاکسی برای رسیدن بسوق به سر کار، پشت فرمان تاکسی جلوی راه آهن جرت می‌زنی تا کسی بیاید و او را به مقصد برسانی و آنجا که بچه‌ها با بچه‌های آقا مصطفی بزبانی گرم صحبت هستند که تو چندان از آن سردر نمی‌آوری و گپ خود را با آقا مصطفی به خاطرات دور بسنده می‌کنی.

غریبی و غریبی و غریبی در همه جا. خیابان طولانی، جهات مختلف این درد، درد غربت را جلوی چشمانت می‌گذارد. کتاب شامل ۲ بخش است که بخش اول داستانهای غربت است در خارج از میهن که مجموعاً ۱۱ داستان است و بخش دوم ۱۴ داستان است که بقول نویسنده، غربت در میهن است. اگر که دو داستان "پرنده مهاجر" و طرح "مرد و کبوتر" را به دیده اغماض بنگریم، می‌توان گفت که بقیه ۹ داستان بخش اول از بختگی و طراح‌ی زیبایی که از فلکی می‌توان توقع داشت پرداخته شده‌است.

زیر درخت واژه

این عنوان دفتر شعری است از میرزا آقا عسگری (مانی) که اخیراً توسط نشر هومن انتشار یافته‌است. مانی که بیشتر به سرودن شعرهای بلند و متوسط شهره است، در این دفتر تجربه‌های خود در عرصه شعرهای کوتاه را عرضه کرده‌است. شعرهای "زیر درخت واژه" عمدتاً درونمایه‌های غنایی و عاشقانه دارند و یا به باورها و رهیافت‌های

HUMAN
P.F.250109
44739BOCHUM
GERMANY

شب‌های شعر هوشنگ ابتهاج

طی دو ماه گذشته شاعر گرانقدر و نامی ایران هوشنگ ابتهاج ه. ا. سایه در سه شهر کلن، وین و لندن سه شب شعر برگزار کرد. در وین و لندن علاوه بر شب شعر، در یک شب جداگانه "سایه" طی سخنرانی‌به سیری در غزلیات حافظ پرداخت. سخنرانی‌ها و شب‌های شعر با استقبال ایرانیان مقیم این سه شهر روبرو شد.

زندگی

هوشنگ ابتهاج (ه. ا. سایه)

چه فکری کنی؟
که یادبان شکسته زورق به گل نشسته‌ای ست زندگی؟
درین خراب ریخته
که رنگ عاقبت از تو گریخته
به بن رسیده راه بسته‌ای ست زندگی
چه سهمناک بود سیل حادثه
که همچو آژدها دهان گشود
زمین و آسمان زهم گسیخت
ستاره خوشه خوشه ریخت
و آفتاب در کیود دره‌های آب غرق شد.
هوایداست
تو با کدام باد می‌روی؟
چه ابر تیره‌ای گرفته سینت، تورا
که با هزار سال بارش شبانه روز هم
دل تو توانمی‌شود.

توا هزاره‌های دور آمدی
درین درازنای خونفشان
به هر قدم نشان نقش پای توست.
برین درشتناک دیولاخ
ز هر طرف طنین گام‌های رهگشای توست.
بلند و پست این گشاده دامگاه ننگ و نام
به خون نوشته نامت، وفای توست.
به گوش بیستون هنوز
صدای تیشه‌های توست
چه تازیانه‌ها که با تن تو تاب عشق آزمود
چه دارا که از تو گشت سر بلند
زهی شکوه قامت بلند عشق
که استوار ماند در هجوم هرگز ند.

نگاه کن

هنوز آن بلند دور،
آن سپیده آن شکوفه زار انفجار نور
کهربای آرزوست.
سپیده‌ای که جان آدمی همواره در هوای اوست.
به بوی یک نفس در آن زلال دم زدن
سزا اگر هزار بار
بیفتی از نشیب راه و باز
رونهی بد آن فراز

چه فکری کنی؟
جهان چه آنگینه شکسته‌ای ست
که سرور است هم در او شکسته می‌نمایدت.
چنان نشسته کوه در کمین دره‌های این غروب تنگ
که راه بسته می‌نمایدت.

زمان بی‌کرانه را
تو با شمار گام عمر ما مستح
به پای اود می‌ست این درنگ درد ورنج.
به سان رود
که در نشیب دره سر به سنگ می‌زند
زنده باش
امید هیچ معجزی زمرده نیست،
زنده باش.

متن کامل گزارش تازه عقوبین الملل

قربانیان نقض حقوق بشر در ایران

در زندان رشت در شرایط انزوی کامل در سلول انفرادی بسر برده است. درباره جزئیات اتهاماتی که ممکن است به او نسبت داده شده باشد و یا درباره نحوه محاکمه وی هیچ اطلاعی در دست نیست. عقوبین الملل با ارسال نامه‌ای در آوریل ۱۹۹۳ برای مقامات ایرانی اطلاع از اتهامات دقیق نسبت داده شده به محسن محمدی ثابت را درخواست کرده و خواهان آن شده است که بیدرنگ امکان دسترسی به وکیل مدافعی که او خود برمیگزیند، هم چنین امکان دسترسی به امکانات درمانی برای وی مهیا شود. عقوبین الملل هیچ پاسخی پیرامون این درخواست‌ها از دولت ایران دریافت نکرده است.

در دو ساله اخیر دست کم صد نفر در رابطه با جرائم مربوط به مواد مخدر اعدام شده‌اند. در سال ۱۹۹۲ دست کم ۱۹۰ نفر در رابطه با همین جرائم اعدام شده‌اند. اما گمان می‌رود رقم واقعی بسیار بیشتر باشد. فقط طی شش روز در ژوئن ۱۹۹۳، بنابه گزارش روزنامه‌ها ۸۶ تا ۱۵ نفر به همین اتهامات بازداشت شده‌اند. بیم آن می‌رود که بسیاری از آنان که در ژوئن دستگیر شدند تاکنون اعدام شده باشند. در حالیکه عقوبین الملل کاملاً بر این عقیده است که دولت ایران به اقدامات موثر برای مجازات حاملین غیر قانونی مواد مخدر نیاورد، اما هیچ نشانی در دست نیست که مجازات مرگ اثری بازدارنده علیه چنین جرائمی داشته باشد.

کمیته حقوق بشر در سند ژوئیه ۱۹۹۳ از شمار زیاد محکومین به مرگ ابراز تأسف کرده است. کمیته، تجدید نظر در قوانین داخلی را به منظور کاهش مواردی که مشمول مجازات مرگ می‌شوند و هم چنین کاهش میزان صدور احکام اعدام را توصیه می‌کند. در سند مذکور همچنین گفته شده است که "شایسته است از اعدام در ملا عام اجتناب شود و در تمام موارد باید برای منتهمین ضمانت‌های ضروری به شمول حق برخورداری از محاکمه‌ی عادلانه تأمین گردد."

۷- تخلفات علیه زنان

بنابه گزارشها در تئیهات سراسری که در ژوئن ۹۳ علیه "فسق و فجور و فساد" با چرا گذشته شده‌اند صد هان در تهران به بهانه‌ی عدم رعایت کامل حجاب بازداشت شده‌اند. هر چند که گمان می‌رود بیشتر آنان که بعد از بازداشت آزاد شده باشند، ادعای می‌شود روز ۲۳ ژوئن تعدادی از آنان به خوردن نان تازه محکوم شده‌اند. مجازات عدم رعایت حجاب طبق قانون ۷۲ ضربه شلاق کسر شده است.

عقوبین الملل مجازات شلاق را غیر انسانی، بیرحمانه و مشقت بار تلقی می‌کند و این نوع مجازات دین شان انسان است و در قوانین بین المللی توسل به آن قدغن شده است. احتمالاً عدم رعایت کامل قانون حجاب توسط عده‌ای از بازداشت شدگان به دلیل اعتقادی بوده است. آنها اینکار را شکلی از بیان غیر خشونت آمیز اعتقادات خود تلقی کرده‌اند.

کمیته حقوق بشر در مجازات و آزار زنی که قانون حجاب کامل را رعایت نمی‌کنند اشاره کرده و برای ارتقا مقام زن و برای برخورداری زنان از حقوق و آزادی‌های مساوی با مردان اقدامات فعال را توصیه می‌کند. کمیته همچنین خاطر نشان ساخته است که مجازات نان تازه را ناقص بند ۷ پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که استفاده از شکنجه را منع کرده است تلقی می‌کند. عقوبین الملل همچنین نگران وضعیت شماری از زنان است که بخاطر فعالیت‌های مخالفت آمیز سیاسی زندان‌های دراز مدت را تحمل می‌کنند، از قبیل خانم قدم خیر نصیری که بخاطر اعتقادات سیاسی‌اش از ۱۹۸۵ در زندان بسر می‌برد. او در سال ۱۹۸۶ مخفیانه در اوین محاکمه شده و به ۱۵ سال حبس محکوم گردیده است. دلیل بازداشت وی به نظر می‌رسد حمایت از "رژیم گان" بوده باشد. هر چند که جزئیات مربوط به اتهامات دقیق عنوان شده علیه وی ناشناخته مانده است. نه در جریان تشکیل و رسیدگی به پرونده و نه در جریان دادگاه به او هرگز اجازه دسترسی به مشاور حقوقی داده نشده است. او از حق استیناف نیز محروم بوده است. بنابه گزارشها او شکنجه شده است. همسر وی نیز زندانی سیاسی بوده و در ۱۹۸۸ اعدام شده است.

شهبان سامریه، کارگر کارخانه، چهل و چند ساله، در ۱۹۸۲ بازداشت و بطور مخفیانه در ۱۹۸۳ به ۱۵ سال زندان محکوم شده است. او ظاهراً به حمایت از یکار متهم بوده است. او از حق مشاوره حقوقی هم در جریان دادگاه و هم در طول زندان محروم بوده و امکان تقاضای تجدید نظر نیز نداشته است. گفته می‌شود وی شکنجه شده است. او در سال ۱۹۸۵ به مدت ۲۸ روز در اعتصاب غذا بسر برده و بدین علت برای مدتی سلامتی خود را از دست داده است. گمان می‌رود که قدم خیر نصیری و شهبان سامریه هر دو در اوین باشند.

۸- احکام اعدام برون مرزی

عقوبین الملل مخالف بی‌قید و شرط هر گونه حکم اعدام برون مرزی است. قتل‌هایی که به شیوه‌های غیر قانونی توسط لایه‌های مختلف حکومت و یا توسط افراد گروه‌های مسلح اپوزیسیون به قتل طرح می‌شوند و هدف آن از میان برداشتن "حساب" شده و یا دلخواهی غیر نظامیان است.

چندین تن از رهبران گروه‌های ایرانی اپوزیسیون مستقر در خارج ایران مورد سوء قصد قرار گرفته و به نحوی ترور شده‌اند که می‌توان آن را ناشی از صدور اجرای احکام اعدام برون مرزی تلقی کرد. روز ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ سه تن از رهبران حزب دموکرات

این حقوق در پیمان نامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران هم از ۱۹۷۶ عضو آن است کنجایده شده است.

اعضای جامعه بهائیت حتی اگر به شیوه غیر خشونت آمیز اعتقادات وجدانی خود را بیان کنند زیر خطر زندان و اعدام قرار می‌گیرند.

در سند ژوئیه ۱۹۹۳ کمیته حقوق بشر از تشدید محدودیت آزادی مذهب و وجدان ابراز نگرانی شده است. سند اشاره می‌کند که در ایران عدول کنندگان از اسلام و حتی از سه مذهب شناخته شده‌ی دیگر (عیسای، یهود و زرتشت) در برخورداری از حقوق خویش با مشکلات بسیار جدی مواجه‌اند.

سبب ریاسر مسلمانان عضو جامعه‌ی اعراب اهواز، بنا به گزارش‌ها از زمان بازداشت در دسامبر ۱۹۸۷ تاکنون در بازداشت بسر می‌برد. هیچ اطلاعی پیرامون محاکمه و محکومیت وی در دست نیست. گزارش‌ها حاکی از امکان اعمال شکنجه و رفتار زشت با وی است. تصور می‌رود او اکنون در زندان اهواز زندانی باشد.

در طول سال ۱۹۹۳ گزارش‌های متعددی دال بر بازداشت خودسرانه، حبس، شکنجه و اعدام اعضای طایفه نوراوی در ناحیه سیستان و بلوچستان بویژه در ناحیه نصرت آباد دریافت شده است.

عبدالله باقری، ۶۵ ساله، نام ۱۹۹۲، اطراف مهران نزدیک مرز عراق دستگیر شده است. تاریخ دقیق دستگیری و محل بازداشت او روشن نیست. او به عضویت در کومه له متهم است. در ۱۷ نوامبر ۱۹۹۲ علی فلاحیان وزیر اطلاعات اعلام کرده است که نیروهای امنیتی یکی از مسئولین جنبش مارکسیستی کومه له را بازداشت کرده و یک گروه مسلح رانیز که توسط عناصر ضد انقلاب پشتیبانی می‌شد متلاشی و اعضای آن را اعدام کرده‌اند. طبق گزارشات "مسئول" کومه له که وزیر اطلاعات و امنیت به آن اشاره کرده است عبدالله باقری نام دارد.

در فوریه ۱۹۹۳ مقامات ایرانی به عقوبین الملل نوشته‌اند: "آقای باقری یکی از مسئولین درجه اول جنبش کومه له است که به علت عبور غیر مجاز از مرز ایران و عراق و داشتن سلاح بازداشت شده و به عملیات تروریستی متهم خواهد گردید. او مسئول بسیاری قتل‌هاست. در آوریل ۹۳ گزارش شده است که در آستانه سال ۹۳ نوار اعترافات ویدئویی عبدالله باقری از تلویزیون پخش شده است. جزئیات اطلاعات مربوط به این "اعترافات" در اختیار عقوبین الملل قرار ندارد ولی بیم آن می‌رود که آنها زیر فشار وزیر شکنجه با رفتار ناشایست اخذ شده باشند.

کمیته حقوق بشر در سند ژوئیه خاطر نشان ساخته است که علیرغم نص پیمان نامه، اعضای سازمان‌های سیاسی که به آنچه مسئولین حکومتی معتقدند تفکر اسلامی است، اعتقادی ندارند و یا نظریاتی مخالف مواضع رسمی ایران کرده‌اند مورد تبعیض قرار دارند.

۶- مجازات اعدام

از مجازات اعدام در جمهوری اسلامی ایران به وفور استفاده می‌شود. در سال ۹۳ عقوبین الملل بیش از ۳۳۰ مورد اعدام را ثبت کرده است که ۱۴۰ مورد اعدام سیاسی را شامل می‌شود. رقم واقعی ممکن است بسیار بیشتر باشد.

سه نفر از پیروان دکتر شریعتی و اعضای سازمان مجاهدین به نام‌های علیرضا حمید آباد ۳۶ ساله، حمید کرد ۳۲ و غلامرضا سگوند ۳۷ ساله در اوایل سال ۱۹۹۲ اعدام شده‌اند. آنها سه سال قبل از آن بازداشت شده بودند. آنها مدت بازداشت را در زفول گذرانیدند و تصور می‌رود همانجا اعدام شده باشند. هیچ اطلاعی درباره نحوه محاکمه‌ی آنها در دست نیست. مقامات حکومتی مصرانکار می‌کنند که کسی از پیروان دکتر علی شریعتی از زمان استقرار جمهوری اسلامی به بعد تحت پیگرد قرار گرفته باشند. در ۱۲ ژوئن ۱۹۹۳ آنها به عقوبین الملل نوشته‌اند که "تمام پیروان دکتر شریعتی کاملاً آزاد هستند و هیچ محدودیتی برای فعالیت‌های آنان وجود ندارد. پیروان دکتر شریعتی رسماً یک شرکت انتشاراتی دارند که نوشته‌های او را انتشار می‌دهد. "بهر حال دست کم ۲۴ نفر از پیروان دکتر شریعتی - تا آنجا که بر عقوبین الملل معلوم است - هنوز بعد از سال‌ها همچنان در زندان بسر می‌برند.

دست کم ۲ نفر از اعضای کومه له در سال ۱۹۹۲ اعدام شده‌اند. آنها هر دو در سپتامبر ۹۱ در دهکده‌ای نزدیک مریوان بازداشت شده بودند. آنها در زندان سنندج نگهداری و در همانجا اعدام شده‌اند. در هر دو مورد مقامات زندان تنها به پس دادن لباس‌های آنها به خانواده‌ها ایشان و تأیید خبر اعدام آنان اکتفا کرده‌اند.

بنابه گزارش‌ها در اوایل سال ۱۹۹۲ و اوایل ۹۳ حدود ۲۰ نفر بلوچ اعدام شده‌اند. ۱۷ نفر از آنان در دسامبر ۹۲ و فوریه ۹۳ در زندان زاهدان اعدام شده‌اند. اکثر آنان از طایفه ناروتی و دست کم ۳ نفر نیز از طایفه براهوتی بوده‌اند. اطلاعاتی پیرامون اتهامات دقیق و محاکمات آنها در دست نیست.

اعدام زندانیان در سال ۹۳ نیز ادامه یافته است. برای مثال در اوایل اوت ۹۳ عقوبین الملل از اعدام محسن محمدی ثابت مطلع شده است. او در زندان رشت و در انزوی کامل در سلول انفرادی نگهداری می‌شده است. گزارش شده است که حکم اعدام پس از طی مراحل رسیدگی قانونی که در هیچ کدام از آنها حداقل موازین بین المللی رعایت نشده‌اند، صادر و به اجرا گذاشته شده است. گفته می‌شود محسن محمدی ثابت در سپتامبر یا اکتبر ۹۲ در خانه‌ی خود بازداشت شد و تا تاریخ اعدام

گزارش‌ها همه این بیماری‌ها ناشی از شکنجه و شرایط زندان بوده و یادراین ارتباط تشدید شده‌اند. او در زندان اوین زندانی است.

محمد علی عموشی ۶۹ ساله، متأهل و صاحب یک دختر، به اتهام سیاسی در سال ۱۹۸۳ زندانی شده است. او به علت اینکه عضو پرچم‌گرا و کمیونسیتی و منوعه توده بوده است بازداشت شده است. (حزب توده در ماه مه ۱۹۸۳ منحل شد) عموشی متحمل یک محاکمه بشدت ناعادلانه گردیده که در "دخمه‌ای" در اوین برگزار شده است.

طبق گزارش‌های غیر موثق او به اعدام محکوم شده است. این حکم آشکارا نشانه‌ی ادامه‌ی فشارهای روانی بر زندانی برای وادار ساختن وی به ندامت است. او در تمام مدت بازداشت و محاکمه از دسترس بی‌هر گونه مشاوره‌ی حقوقی محروم بوده است. وی در نخستین سال بازداشت بشدت شکنجه شده است. او در سال ۹۲ به یک عمل جراحی نیاز پیدا کرده و این ناشی از تداوم اثرات شکنجه بوده است. گفته می‌شود مقامات مربوطه به وی آزادی از زندان را پیشنهاد کرده‌اند، مشروط به اینکه او طبق مصاحبه‌ی تلویزیونی فعالیت‌های سیاسی خویش را محکوم کند. او این پیشنهاد را رد کرده و هنوز در زندان بسر می‌برد.

محمد باقری زرنوی در نوامبر ۱۹۸۲ بازداشت شده است او متهم است که یکی از اعضای رهبری سازمان رزمندگان پیشگام مستضعفین (مشهور به آرمان مستضعفان) بوده است. این سازمان بر پایه نظریات دکتر شریعتی بنا شده و علیه جمهوری اسلامی عمل می‌کند. او را به ۱۸ سال حبس محکوم کرده‌اند. وی از دسترس بی‌وکیل مدافع در تمام مدت بازداشت و محاکمه محروم بوده و به او فرصت داده نشده در اعتراض به حکم صادره، تشکیل دادگاه تجدید نظر را تقاضا کند. او مدتهای طولانی در زندان گور دشت در سلول انفرادی بسر برده است.

بنابه گزارش‌ها، بویژه در اوایل بازداشت وی متحمل شکنجه شده است. بر او فشارهای زیادی وارد کرده‌اند که حاضر به مصاحبه ویدئویی شود و طی آن از "جناياتی" که مرتکب شده ندامت کند. او برای سال‌ها در زندان گور دشت بسر برده است اما اخیراً گفته می‌شود که او را به زندان اوین انتقال داده‌اند.

کمیته حقوق بشر در سند منتشره در ماه ژوئیه ۹۲ از عدم رعایت جرایم صحیح محاکمات در ایران بویژه در دادگاه‌های انقلاب که در آن محاکمه بهائی می‌شود که به قاعده تبدیل شود و بوضع هیچ گونه فرصتی به متهم داده نمی‌شود که خود را برای دفاع آماده کند، اظهار تأسف کرده است. کمیته مجدداً توصیه کرده است که قانونگذاران و مجریان ایرانی خود را با موازین پیمان نامه بویژه با شرایط مندرج در بندهای ۱۴ و ۱۹ تطبیق دهند. این بندها به شرایط محاکمه عادلانه، از جمله حق دسترسی به مشاوره حقوقی، حق حضور فردی در برابر قاضی، حق محاکمه علنی، و حق استیناف مربوط می‌شوند. سند مذکور هم چنین در خواست می‌کند ضرورت انحلال دادگاه‌های انقلاب مورد توجه فوری قرار گیرد.

۴- شکنجه

زندانان سیاسی در ایران همچنان در معرض شکنجه قرار دارند. آنها پس از بازداشت بدین وسیله مجبور به اعتراف می‌شوند. عقوبین الملل بر این عقیده است که حبس طولانی، وقتی که زندانی کاملاً از جهان بیرون ایزوله شده است، شرایط شکنجه زندانی را تسهیل می‌کند. مگر اصرار شده است که به زندانیان بنا به ضرورت اجازه دسترسی به حقوقدان و وکیل مدافع و یا ملاقات با بستگان و یا پزشک داده شود. نمونه زیر یک نمونه‌ی تئیک از بسیاری موارد است:

محمد تقی رحمانیه، دانشجوی ۳۳ ساله در سپتامبر ۱۹۸۶ در تهران بازداشت شد و تا بحال در زندان اوین است. او به ۱۰ سال محکوم است. دادگاه انقلاب در سال ۸۶ حکم را صادر کرده است. دادگاه صورت غیر علنی در محل زندان اوین تشکیل شده و فقط ۵ دقیقه طول کشیده است. او نه در طی بازداشت و نه در محاکمه هیچ وقت به مشاور حقوقی دسترسی نداشته است. گزارش شده است که وی کتک خورده و به کف باهاش شلاق زده‌اند. مبحث بر صورتش گوید که او را لگد زده‌اند. گفته می‌شود او بیشتر از شش ماه از شش ماه حبس خود را در این رابطه از دست داده است. بینائی او نیز به علت چشم بند تضعیف شده است. او که قبلاً در سال ۸۱ به علت همکاری با گروه موسوم به پیش نازان دستگیر شده بود از پیروان دکتر شریعتی است. او به یکسال و نیم محکوم بود اما گزارش شده است که بیش از سه سال در زندان مانده است.

کمیته حقوق بشر نگرانی خود را در باره گزارش ۱۶ سند ماه ژوئیه ابراز کرده است. در این باره گزارش‌ها در مورد شکنجه و رفتار ناهنجار با کسانی که از آزادی محروم شده‌اند بر شمرده شده و توصیه شده است: "تمام شکایات پیرامون... شکنجه شایسته است مورد رسیدگی دقیق قرار گیرند و مرتکبین مجازات شوند و اقداماتی به عمل آید که از تکرار این اعمال جلوگیری شود."

۵- حبس اعضای گروه‌های مذهبی و قومی وابسته به اقلیت‌ها مهدی دیباج که ۴۳ سال پیش به مسیحیت گرویده بود از سال ۱۹۸۲ تاکنون در زندان است. در حال حاضر گمان می‌رود که او در ساری باشد. هیچ گاه تاکنون به او دلیل بازداشتش را نگفته‌اند. او به ارتکاب هیچ جرمی متهم نشده است. وی مدت در سال‌ها در ساری که در زندان است در انفرادی بوده است. ظاهراً مهدی دیباج فقط از حق خود در زمینه آزادی مذهب و بیان استفاده کرده و بدین منظور متوسل به خشونت نبوده است.

۱- مقدمه

محکومیت‌های دراز مدت برای زندانیان سیاسی، محاکمات غیر عادلانه، استفاده‌ی مستمر از شکنجه و مجازات مرگ و اعدام غیر حقوقی فعالین اپوزیسیون در خارج از ایران و وجه مشخص کننده وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند.

کسانی که این مجازات‌ها علیه آنان بکار بسته می‌شود، عموماً در فعالیت‌های مخفی اپوزیسیون شرکت داشته‌اند. ولی گاهی اوقات آنها فقط مورد ظن هستند که در این فعالیت‌ها شرکت دارند.

اعضای هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، پیروان دکتر شریعتی، سازمان‌های چپ نظیر حزب توده ایران، پیکار و رزمندگان، سازمان‌های کرد، نظیر حزب دموکرات کردستان، کومه له و گروه‌هایی که اقلیت‌های ملی دیگر مانند بلوچ‌ها و عرب‌ها را نمایندگی می‌کنند بطور مستمر زیر آزار هستند. ایند پیروان سایر مذاهب مثل مسیحیان و بهائی‌ها نیز ادامه دارد. به علاوه زنان همچنان در معرض نقض حقوق قرار دارند، بویژه وقتی که از مقررات حجاب تخلف کنند.

عقوبین الملل قصد داشته است که پیرامون نگرانی‌های خود در زمینه حقوق بشر، که موارد آن در این گزارش خلاصه شده است، با مقامات حکومتی و قضائی مربوطه در تهران دینار و گفتگو داشته باشد و در عین حال بار دیگر پیشنهاد‌های خود را در زمینه باجرا در آوردن قوانین حقوق بشر و تطبیق آنها با عهد نامه‌های بین المللی که ایران عضو آنهاست را به اطلاع آنان برساند.

اما عقوبین الملل متأسف است که علیرغم اینکه مقامات ایرانی طی دو سال گذشته علناً اظهار کرده‌اند که این سازمان برای بازدید از ایران دعوت شده است، این کار میسر نشد. عقوبین الملل از این دعوت‌ها استقبال کرد و آمادگی خود را برای اعزام هیات‌های نمایندگی به کشور اعلام داشت، با این قصد که نخستین دیدار در اوایل سال ۹۳ صورت پذیرد. اما تا اکتبر ۱۹۹۳ هنوز هیچ نشانه‌ی دال بر آمادگی مقامات ایرانی برای پذیرش یک هیات به چشم نخورده است. گرچه هیات‌های نمایندگی عقوبین الملل در سال ۹۱ از ایران بازدید کرده و با آوارگان کرد و شیعیان عراقی مصاحبه داشته‌اند، اما هیچ بازدید از سال ۱۹۷۹ اجازه نیافته‌اند که به دولت ایران دسترسی یابند و یا بر محاکمات سیاسی نظارت داشته باشند.

نگرانی‌های عقوبین الملل در ایران و موارد مشخصی که در این گزارش تشریح شده‌اند مستقیماً نیز در اختیار مقامات ایرانی قرار داده شده‌اند. جواب‌های دریافتی در این گزارش انعکاس یافته است. اما در اکثر موارد پاسخی اساسی وجود نداشته است.

۲- ایران و تعهدات بین المللی در زمینه حقوق بشر

ایران عضو پیمان نامه بین المللی در زمینه حقوق سیاسی و مدنی است. در این پیمان نامه ملا حظات پایه‌ای پیرامون حقوق بشر مندرج است. پس از تأخیری چندین ساله دولت ایران در زمین گزارش نویسی خود را به کمیته حقوق بشر تسلیم کرده است. ۱۸ نفر حقوق دان از مناطق مختلف جهان اعضای این کمیته هستند و بر نحوه اجرای مواد پیمان نامه توسط کشورهای عضو نظارت دارند. با هدف جلب توجه ایران به رعایت حقوق بشر، این کمیته در اجلاس‌های اکتبر ۹۲، آوریل ۹۳ و ژوئیه ۹۳ یک رشته تذکرات، پیشنهادها و توصیه‌ها را عنوان کرده است که برخی از آنها در صفحات بعد درج گردیده و عقوبین الملل بر این عقیده است که آنها با توصیه‌های این سازمان به دولت جمهوری اسلامی ایران که در ۱۹۸۶ به آن تسلیم شده و ۱۹۸۷ اعلام شده‌اند، در انطباق کامل قرار دارد.

۳- محکومات غیر عادلانه و حبس‌های دراز مدت ناشی از آن

در محاکمات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران منتهمین از حقوق اساسی خود، یعنی از برخورداری از محاکمه علنی و عادلانه، آنگونه که در بند ۱۴ پیمان نامه بین المللی مندرج است محروم هستند.

بسیاری از منتهمین از حق دسترسی به وکیل مدافع و یا ملاقات با خانواده محروم‌اند. به برخی دلیل بازداشت آنان یا اتهامی که به آنان نسبت داده شده اعلام نمی‌شود. و بسیاری بر پایه اعترافاتی که ناشی از شکنجه بوده است، محکوم و اعدام شده‌اند. (رجوع شود به سند عقوبین الملل مورخ ژوئیه ۹۲). موارد زیر گواه وجود محاکمات غیر عادلانه و حبس طولانی بشمار می‌روند.

عباس امیرانظام، معاون سابق نخست وزیر و سفیر سابق، در ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹ بنا به دستور دولت به تهران فرا خوانده شد و در فرودگاه بازداشت گردید. او در دسامبر ۱۹۸۰، طی یک محاکمه سرپایی که در زندان اوین توسط دادگاه انقلاب برگزار شد محکوم گردید. دادگاه بیش از چند دقیقه طول کشید و او به وکیل مدافع دسترسی نداشت. او به جاسوسی برای ایالات متحده متهم است و به حبس ابد محکوم گردید. گرچه او تشکیل دادگاه تجدید نظر را تقاضا کرده است، اما هیچ نشانی از تشکیل آن تاکنون وجود نداشته است. وی سه سال و نیم از حق دیدار با خانواده محروم بوده است. عباس امیرانظام اکنون بنا به گزارش‌ها، از چندین بیماری رنج می‌برد. از جمله از درمعدن، عفونت چشم، ناراحتی زائوری چپ و عفونت گوش. بنا به

بمناسبت اول دسامبر، روز جهانی مبارزه با ایدز آیا ایدز را چاره‌ای هست؟

پژوهش اصلی پیرامون پیامدهای جنسی این واکنش و امکان تولید سرطان توسط آن دور میزند. به گفته رئیس کنگره ایدز، چشم انداز دیگری که دانش ژنتیک می‌گشاید آن است که خون بیمار ایدز را بگیریم، ت-باخته‌های امدادگر آن را کشت دهیم و ویروسی به آنها وارد کنیم که فعالیت ژنهای این ت-باخته‌ها را کنترل کرده و کنش مربوط به اطلاعات ژنتیکی HIV موجود در سلول را مانع بشود.

تا این ایده‌ها به تحقق پیوندند، هنوز چند زمانی طول خواهد کشید. دانش پزشکی در مبارزه با ایدز تاکنون پیشرفتهایی داشته، اما هنوز تا وقوع چرخشی اساسی و دستیابی به نوعی داروی معجزه گر راه درازی در پیش دارد. تا آن زمان جز رابطه سالم و آگاهانه جنسی و جز نظارت و دقت بیشتر در تعیین آلودگی خون انتقالی به بیمار حربه کاری تری در دست بشر نیست.

میشاید. اما ناآگاهی، فقر، عدم وجود راههای ارتباطی و فرهنگ مردسالاری که استفاده از کاپوت را بر نمی‌تابد، مانع استفاده از این وسیله‌اند. دشواری در زمینه ساختن واکنش ضد ایدز عمدتاً به گونه گونی HIV مربوط میشود. علاوه بر آن زمان تأثیر برخی از واکنشهایی هم که در آزمایشگاه تولید شده‌اند، از دو تا سه سال فراتر نمی‌رود. اینکه در کشورهای عقب مانده با توجه به مسائل یاد شده بتوان افراد را هر دو سال به مراکز واکسیناسیون کشکاند، امری دشوار می‌نماید. هم اکنون برای مقابله با ایدز و درمان آن بیشتر چشم‌ها به دانش ژنتیک دوخته شده‌اند. در دانشگاه‌ها و مراکز آمریکا واکسیناسیون در دست آزمایش است که از طریق تغییر ساختار ژنتیکی ویروس ایدز میمون تهیه شده است. پس از تزریق این ویروس به چندین میمون، ویروس اصلی و بیماری‌زا به بدن آنها وارد شده، لیکن هیچگونه بیماری‌یی بوجود نیامده است. اینک سوال و

از کشف بیماری ایدز در سال ۱۹۸۳ توسط یک گروه پژوهشگر فرانسوی تاکنون، شمار مبتلایان به این بیماری روز به روز فزونی یافته و انتظار میرود که در زمینه مرگ و میر انسانها از بیماری‌هایی همچون سل و سرطان پیشی گیرد. عامل ایجاد ایدز (بیماری ضعف سامانه دفاعی بدن - Acquired Human Deficiency Syndrome) ویروسی است به نام HIV (ویروس تضعیف کننده سامانه دفاعی بدن - Immundefizienz Virus) که هم اینک بر اساس گزارشهای سازمان بهداشت جهانی ۱۳ میلیون نفر به آن آلوده‌اند، اما تنها ۲/۵ میلیون نفر این عده بیمارند. HIV خود به دو گونه HIV-1 و HIV-2 تقسیم میشود هر کدام به ترتیب ۶۰٪ و ۴۰٪ از ایدز را در بر می‌گیرد. از زمان سرایت ویروس HIV به بدن انسان که تا ۸۰ درصد از طریق روابط جنسی انجام میگردد، تا زمان بروز بیماری گاه تا ۱۲ سال به درازا میکشد. آلوده شدن خون برخی از افراد به HIV ممکن است هیچگاه به بیماری منتهی نشود. از ۱۳ میلیون مبتلای به ویروس ایدز ۷/۵ میلیون نفر در آفریقا، بیش از دو میلیون در آمریکا، ۱/۵ میلیون در آسیا و ۵۰۰ هزار نفر در اروپای غربی به سر می‌برند. فاصله زمانی آلوده شدن خون فرد به HIV تا بروز بیماری در شمال کره زمین به طور متوسط ۱۰ سال و در آفریقا ۴ تا ۳ سال میباشد.

در مورد پیدایش و شیوع ویروس ایدز نظرگاههای متفاوتی وجود دارد که هر کدام شواهد و دلایلی هم برای خود دارند. یک پژوهشگر معروف آلمانی با استناد به اظهارات مقامات آمریکایی در مورد ضرورت ساختن یک ویروس جنگی، HIV را از تولیدات آزمایشگاه سلاحهای بیولوژیک آمریکا میدانند. محقق دیگری به نام مانفرد آینگ (دانشده جایزه نوبل) اما در نتیجه محاسبات نمونه وار به این نتیجه رسیده است که دو گونه مختلف ویروس ایدز ۹۰ سال پیش از هم جدا شده و از چندین سده پیش به طور غیر فعال در بدن برخی از اقوام آفریقایی وجود داشته، بدون آنکه منشأ بیماری شوند. اما در دهه ۵۰ و ۶۰ سده حاضر این ویروس به آفریقای غربی و جنوبی و ناآآمده برای مقابله با آن انتقال یافته و در محیط جدید فعالیت آن آغاز شده است. از زیرگونه HIV-1 مورد آن تنها در آفریقای جنوبی دیده شده است و این یکی از دلایلی است که در تائید نظر آینگ آورده میشود.

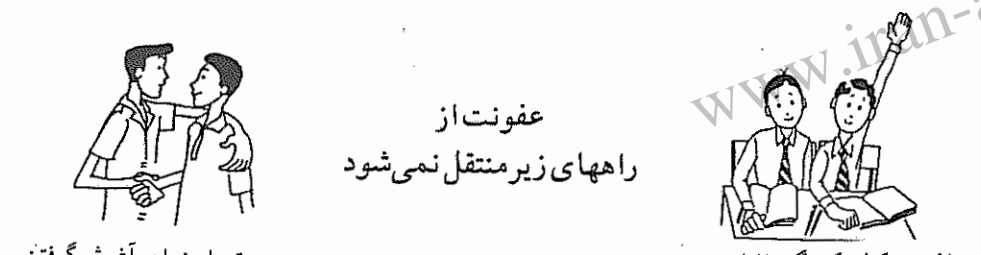
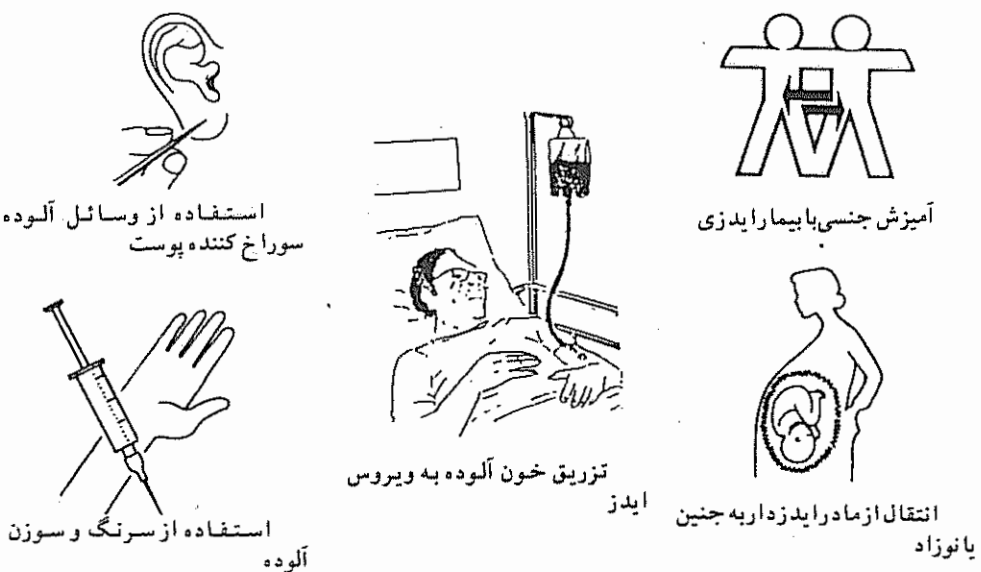
HIV عمدتاً از طریق رابطه جنسی میان فرد مبتلا با فرد سالم و یا از طریق انتقال خون آلوده به افراد غیر مبتلا منتقل میشود. بهترین محل انتقال HIV جداره‌های مخاطی دستگاه تناسلی انسان است و از آنجایی که رابطه جنسی جزء تفکیک ناپذیر حیات انسانی است، لذا این بیماری بویژه در کشورهای که روابط آزادانه تری میان زن و مرد برقرار است و در عین حال اطلاعات، دانش و آگاهی عمومی نسبت به رابطه جنسی سالم نازل است قربانیان بیشتری میگردد.

بیماری ایدز خود را در کاهش شمار تلفات یاخته‌های ت یاور (نفوسیت ت امدادگر) که از سلولهای مهم دفاعی بدن در برابر بیماریها میباشد، نشان میدهد. این یاخته‌ها، فعال کننده بقیه سلولهای دفاعی بدن هستند و فعالیت آنها را هماهنگ میسازد. کاهش آنها بدن را برای پذیرش ویروس ویا کتری... بیماری مختلف مستعد می‌کند، به گونه‌ای که افراد مبتلا به ایدز عمدتاً از بیماریهای ریوی و عفونی جان خود را از دست میدهند.

نحوه عمل ویروس HIV بدینگونه است که اطلاعات ژنتیکی خود را به مرکز ژنتیکی سلول مهمان وارد می‌کند. تمام سلولهایی که از تقسیم چنین سلولی پدید می‌آیند، حاوی اطلاعات ژنتیکی HIV هستند و این در حالی است که سیستم دفاعی بدن قادر به تشخیص این سلولها نمیشود. ویروسی که بخشی از بار ژنتیک خود را به یک سلول میدهد، برای تکثیر خود در ناچار به ترک آن سلول و تماس با یک سلول دیگر برای تکمیل بار ژنتیکی ناپدید و ناقص خود (ریبونوکلیک اسید) به بار ژنتیکی پایدار (دوکسی ریبونوکلیک اسید) میباشد. HIV برای این کار از دو آنزیم به نامهای ترانس کریپتاز و پروتاز استفاده می‌کند. دانش پزشکی تاکنون توانسته است با ساختن داروهای همچون AZT (زیدودین)، DDT و DDC به مقابله با ترانس کریپتاز و فلج کردن آن برود و بدینسان تکثیر ویروس را در بدن با دشواری مواجه ساخته و از این رهگذر بطول عمر بیمار را بفرماید. ساختن دارویی علیه پروتاز هنوز در مرحله آزمایش است.

AZT (مؤثرترین و پرمصرفترین دارو) نتوانسته است در مقابله با ایدز درصد کارا و مؤثر واقع شود، چرا که از یکسو تأثیر آن کوتاه مدت است و لذا باید دائم مورد استفاده بیمار قرار گیرد، امری که با توجه به سمی بودن AZT و اثرات جنسی آن شدنی نیست و از سوی دیگر توانایی مقاومت HIV و تغییر مسازانه آن در برابر داروهای از تائیر AZT میباشد.

راههای انتقال ویروس ایدز



کردستان، صادق شرفکندی دبیر کل، فتح عبدلی عضو کمیته مرکزی و نماینده آن حزب در ارومیه، همایون اردلان، نماینده حزب در آلمان و نوری دهکردی مترجم در یک رستوران در برلین توسط مردان مسلح نقاب دار به ضرب گلوله از پای درآمدند. آنها هیات نمایندگی حزب دموکرات کردستان در کنگره انترناسیونال سوسیالیستی در برلین بودند.

در اطلاعاتی که به تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۹۲ سفارت ایران در بن این اتمام را که مقامات ایرانی مسکن است دستور ترویر صادر کرده باشند تکذیب کرده و اعلام نمود: مانعی در این ها که هستند و به چه قصدی به برلین آمده‌اند. مقامات ایرانی مستراً اتمام هر گونه دخالت در این قتل‌ها را تکذیب می‌کنند.

در هر حال مطابق گزارش مطبوعات در اواخر مه ۱۹۹۳ دادستان آلمان مقامات ایرانی را متهم کرده است که آنها دستور قتل را صادر کرده‌اند. در ادعای نامی دادستان کل آلمان فدرال آمده است: ... رهبر اصلی جنایت برلین کاظم دارابی بود. او مأمور مخفی سازمان اطلاعات و امنیت ایران است. ... یک مأمور سرویس اطلاعاتی ایران بنام کاظم دارابی دستور کشتن کرده‌ها در جریان دیدار و حضور آنها در کنگره انترناسیونال سوسیالیستی در برلین را از مقامات مافوق خود در تهران دریافت کرده است. گفته شده است که او نقشه شلیک را طراحی کرده و با کمک یک گروه ۴ نفره لبنانی به اجرا گذاشته است. همه آنها تحت بازداشت هستند. ... دو نفر از آن لبنانی متهمند که به کاظم دارابی کمک کرده‌اند. یوسف امین و عباس رابیل اعضای ملیشیا حزب الله طرفدار ایران بشمار می‌روند. نفر سوم بنام عطاالله اباد گفته شده است که عضو سازمان طرفدار سوریه بنام امل است.

علی اکبر قربانی عضو سازمان مجاهدین روز ۱۷ ژوئن ۱۹۹۲ در شهر استانبول در ترکیه ربوده شده است. جسد او در جنگلی نزدیک پدل آواد را از آن زمان به کشف شد. گزارش‌ها حاکی از آنست که او بعد از شکنجه شده و سپس به قتل رسیده است. روز ۴ فوریه ۱۹۹۳ گزارش شد که وزیر کشور ترکیه عصمت سرگین اظهار داشته است که یک گروه بنیاد گرای مرتبط با ایران سه مورد نقشه قتل سیاسی را در ترکیه اجرا کرده است. او گفت که اقدام اسلامی مسئول قتل علی اکبر قربانی، دارای ملیت ایرانی، و هم چنین یک روزنامه نگار ترک بنام ستین امک و یک نویسنده بنام توران دورسون در سال ۱۹۹۰ بوده است. او در یک کنفرانس مطبوعاتی در استانبول اعلام کرد که پلیس ۱۹ عضو گروه ناشناخته‌ی "اقدام اسلامی" را بازداشت کرده است. آنها به ارتکاب قتل‌های مذکور متهم شده‌اند. وزیر کشور افزود "مظنونین اعتراف کرده‌اند که در یک پایگاه رسمی که در بین تهران رقم واقع است تعلیمات نظامی دیده‌اند. آنها گفته‌اند که به آنها فن ترو آموزش داده شده است."

اگر اعداد در مورد ارتباط مقامات ایرانی اثبات شود، آنگاه علی اکبر قربانی مسکن است یکی از قربانیان احکام اعدام برون مرزی بوده باشد.

عباس قلی زاده عضو دفترش کاپوایی در حوالی خانه‌اش در استانبول در دسامبر ۱۹۹۲ ربوده شد. تا اکتبر ۹۳ هیچ اطلاعی در باره سرنوشت او در دست نبوده است. روزیست ویکم آوریل ۱۹۹۳ قاضی فرانسوی ژان لویی پروگیک حکم بازداشت دو نفر ایرانی به اسمی ناصر قاسمی نژاد و غلامحسین شوریده شیرازی را صادر کرد. آنها مظنون هستند که به فرار قاتلین شاپور بختیار نخست وزیر سابق ایران و منشی شخصی او سرور کتبی از فرانسه کمک کرده‌اند. از جمله یکی از آنها که مظنون به قتل است، به نام علی وکیل‌راد، هنوز در زندان در انتظار محاکمه بصری می‌روند. قاضی پروگیک همچنین حکم بازداشت حسین شیخ عطار مشاور وزیر پست و تلگراف ایران و میسوت ادیب سوی یک تر کب ایرانی الاصل را در سطح بین المللی صادر کرده است.

در ماههای اخیر چندین فعال سیاسی یوزیسون در خارج از ایران به صورتی به قتل رسیده‌اند که می‌توان آن‌ها را نیز اجرای احکام اعدام برون مرزی نامید. دو نفر افراد طایفه ناروتی به نام‌های هبیت و دلار در مارس ۱۹۹۳ به ضرب گلوله در خارج از منزل خود در کراچی به قتل رسیده‌اند.

محمد حسن اریاب (که به محمد خان بلوچ نیز مشهور است) از فعالین سازمان مجاهدین روز ۱۷ ژوئن ۱۹۹۳ در کراچی در پاکستان مورد سو قصد قرار گرفته و به قتل رسیده است و محمد حسین نقدی، نماینده شورای ملی مقاومت ایران و کاردار سابق سفارت ایران در رم روز ۱۶ مارس ۱۹۹۳ بدست دو فرد مسلح به ضرب گلوله به قتل رسید. روز ۱۲ اوت ۱۹۹۳ جسد بهرام آزادی فر عضو حزب دموکرات کردستان ایران در خانه‌اش در آنکارا کشف شد. گزارش‌ها حاکی از آنست که او حین ملاقات با دو نفر که تغییر لباس داده و ملبس به لباس‌های پلیس ترکیه بوده‌اند به قتل رسیده است. سه روز قبل از آن (۱۲۵ اوت) یک ایرانی دیگر به نام محمد قادری عضو سابق حزب دموکرات کردستان، که به عنوان پناهنده شناخته شده بود، از خانه‌اش واقع در کرشهر ترکیه ربوده شده است. طبق گزارش‌ها، دو نفر که خود را افسر پلیس ترکیه معرفی کرده‌اند وارد خانه او شده و وی را با زور همراه خود برده‌اند. جسد تکه تکه شده‌ای او حدود ۱۰ روز بعد کشف شد.

کمیته حقوق بشر نگرانی خود را نسبت به موارد متعدد اعدام‌های برون مرزی اعلام داشته و توصیه کرده است که تمام آنها به نحو شایسته مورد رسیدگی قرار گیرند. کمیته مذکور بویژه صدور حکم مجازات مرگ برای سلمان رشدی، به جرم نوشتن کتاب ادبی را محکوم می‌شمارد. کمیته می‌افزاید این که حکم قتل ناشی از صدور فتوا توسط یک مقام مذهبی است موجب سلب مسئولیت دولت از اجرای تعهداتش برای تضمین حقوق فردی که در پیمان نامه جهانی بویژه در مواد ۶، ۹ و ۱۴ و ۱۹ آن انعکاس یافته‌اند نخواهد شد.

پارلمان‌تاریسم دموکراتیک

الف. حکیمی

دریغ باید اذعان کرد که در میان نیروهای امروزین پارلمان‌تاریسم دموکراتیک فقدان چنین چهره برجسته‌ای سخت مشهود است. ویی‌مورد نیست اگر همین جا بار دیگر از شهادت دکتر عبدالرحمن قاسملو به عنوان ضایعه بزرگ در سال‌های اخیر یاد کنم.

واما چرا امروز تشکیل چنین جبهه‌ای، بیش از هر زمان دیگر ضرورت و مبرمیت یافته است؟

ماه گذشته یکی از قدیمی‌ترین زندانیان سیاسی چین پس از ۱۵ سال از زندان آزاد شد. وی در نخستین گفتگوش با خبرنگاران غربی گفت که ۱۳ احتمال برای آینده کشورش پیش بینی می‌کند.

اول نیروهای بی‌گناه اکنون سکان قدرت در چین را به دست دارند، متوجه ضرورت باز کردن فضای سیاسی کشوریشوند و خودشان ابتکار این عمل را به دست گیرند، که مطلوب‌ترین احتمال است.

دوم فشار نیروهای اپوزیسیون و کشورهای متمدن جهان آن‌ها را وادار به عقب نشینی کند و دموکراسی را به حکومتیان تحمیل کند، که محتمل‌ترین واریانت است.

سوم فشارهای کنترل نشده و خونین چین را به آورد گاه جنگ‌های داخلی بکشاند و کشور را به فروپاشی بکشاند، که اسف‌بارترین احتمال ممکن است.

در این گفته‌ها منطق بلورین انسانی متعهد به آزادی و علاقمند به سرنویشت کشور مردمش دیده می‌شود.

به اوضاع کشور خودمان باز گردیم. به صراحت بگویم که قدرت‌گیری هاشمی رفسنجانی و متحدانش در دور قبلی، چیزی شبیه به احتمال نخست در کشور ما را در ذهن ما بوجود آورد. چه مردم در داخل ایران و چه برخی از نیروهای اپوزیسیون و بالاخره کشورهای غربی، همگی روی چنین احتمالی حساب کردند.

اما تجربه نشان داد که چنین احتمالی، عملی نیست (و دلایل عملی نشدن این احتمال هم از حوصله این نوشته خارج است).

اکنون احتمال دوم و سوم، بیش از پیش مطرح شده است. اما برای احتراز از آن اسف‌بارترین وضع ممکن، باید جا بجا یگزینی در مقابل جمهوری اسلامی باشد که بتواند در چشم مردم ایران و جهان، جانشینی شایسته باشد.

پیش‌تر هم گفتیم، مجاهدین خلق با تیزبینی سیاسی، اکنون همین وضعیت را مورد توجه قرار داده‌اند، اما نکته آن‌جا است که نه نزد مردم ایران و نه در جهان متمدن، از اعتبار جایگزینی پیرهای ندارند.

پس وظیفه نیروهای معتقد به دموکراسی است که این خلاء را پر کنند و به ضرورت لحظه پاسخ دهند. ایجاد تشکیلی از نوع مورد بحث هم نزد مردم ایران اعتباری جدی خواهد داشت و هم حمایت جامعه بین‌المللی را جلب خواهد کرد.

نکته دیگر آنکه فروپاشی بلوک کشورهای سوسیالیستی نیز سستی‌های ارزنده‌ای برای تمام نیروهای سیاسی کشور ما داشته و اکنون با گذشت دو سال از این حوادث، نیروهایی که اعتقاد عمیق به نهادی کردن دموکراسی دارند، قدرت بیشتری در میان اپوزیسیون ترقی‌خواه ایران پیدا کرده‌اند.

به این دلایل هر حرکتی در راستای تشکیل این جبهه در لحظه کنونی از موفقت برخوردار خواهد شد.

پوشیده نیست که گام برداشتن در چنین راستایی، با مشکلات فراوان روبرو خواهد شد. پیشداوری‌ها، خرده حساب‌های قدیمی، عدم اعتمادهای تاریخی و خرده شنبه در وجود تمامی مبتکرین احتمالی چنین ابتکاری از جمله این موانع است. اما مهم آن‌است که ما اکنون از دیدگاه دیگری به موضوع نگاه کنیم. طرح مسئله تاکنون در میان نیروهای سیاسی ایرانی این بود کدام نیرو، کدام طبقه یا کدام حزب باید حکومت کند؟

سئوالی که به گفته کارل پوپر به کلی مسئله را به بیراهه می‌کشاند. زیرا مسئله قدرت سیاسی این نیست که چه کسی یا کسانی باید حکومت کنند بلکه نکته آن‌جا است که چگونه قدرت سیاسی را مهار کنیم، کنترل کنیم تا به استبداد به هیچ شکل و شیوه‌ای نیانجامد. و تنها ضمن چنین امری، ایجاد نهادهایی است که چنین کنترلی را از سوی مردم ممکن می‌سازد. یعنی برای نمونه انتخاب نمایندگان پارلمان، ضمانت آزادی اندیشه و عقاید و مذهب، تضمین آزادی احزاب سیاسی و سازمانها و تشکلهای صنفی-اجتماعی، برگزاری انتخابات در پرده‌های معین، آزادی رسانه‌های گروهی، برابری حقوقی در برابر ارگانهای قضایی و خلاصه تمامی تجاربی که پارلمان‌تاریسم دموکراتیک در طول قریب به ۳۰ سال حیات خویش گام به گام به آنها دست یافته و به تکاملش همت گماشته. موضوع این است که امروز از این نگاه برای نهادی کردن دموکراسی و ایجاد نهادها و اجازه دهیم در مین مان مبارزه کنیم و در پناه این نهادها اجازه دهیم تا نیروهای مختلف به مسابقه برای جلب هر چه بیشتر برای مردم ایران بپردازند و آنها را به رای اکثریت را از آن خویش می‌کنند، برای پرورد معینی، قدرت سیاسی را در دست گیرند و گوش شنوایی برای حرف‌های اپوزیسیون پارلمانی خویش و احترام به قواعد بازی پارلمانی داشته باشند.

سوال آخر اینکه، چه وظیفه‌ای به عهده فعالین سیاسی

ادامه در صفحه ۹

اینکه روی می‌توانند تا یکدیگر می‌کنم، به این دلیل است که اولاً تجربه تاریخ معاصر ما تنها دوران کوتاهی از حکومت پارلمان‌تاریسم دموکراتیک را تجربه کرده و ثانیاً چنین مفاهیمی در بحث میان نیروهای مختلف سیاسی نزدیک به دموکراتیسم پارلمانی در کشور ما مورد مذاقه قرار نگرفته است.

دوران کوتاهی که به عنوان تنها تجربه در تاریخ معاصر ایران از آن یاد کردم، همانا حکومت دکتر محمد مصدق در سال‌های بعد از شهریور ۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که به زحمت عمری ۴ ساله دارد. در این دوره که حکومت مرکزی سلطنت مطلقه به دلیل لاس زدن با فاشیسم هیتلری تضعیف شده است و از سوی دیگری به دلیل حضور نیروهای متفقین در ایران، یکپارچگی کشور حفظ شده و دچار جنگ داخلی نشده، حکومت دموکراتیک پارلمانی، ظهوری کوتاه مدت دارد. در هیچ یک از ادوار دیگر تاریخ معاصر ما چنین تجربه نادری تکرار نشده است.

به این دلیل گمان می‌کنم که هیچ یک از نیروهای مورد بحث تصور روشن، دقیق و تعریف شده‌ای از دموکراتیسم پارلمانی به افکار عمومی مردم ایران تحویل نداده‌اند.

نیروهای مذهبی اسلامی که از آن یاد شد، نوعاً انشعابی از جبهه ملی بود، اگر چه سابقه فعالیت در آن دوره مورد بحث را دارد و برخی از چهره‌هایش حتی از وزرای دولت دکتر مصدق بوده‌اند، اما پارتی‌نگ تند مذهبی که در سال‌های بعد به خود گرفت، تا حدودی از این مفهوم فاصله گرفت. تجارب تلخ سال‌های پس از انقلاب بهمین بار دیگر گرایشات دموکراتیک و پارلمانی در این نیرو را تقویت کرده است. بخشی از نیروهای اخیراً کشته شده از جمهوری اسلامی هم در کنار همین نیرو طبقه بندی می‌شوند.

گرایش ملی که خود را میراث‌دار حکومت ملی، دموکراتیک و پارلمانی دکتر مصدق می‌داند، در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد، دچار تشتت و پراکنندگی فکری بوده و هنوز هم چهره‌ای هم تراز (و حتی نزدیک به) دکتر مصدق را از درون خویش ارائه نکرده است.

نیروی چپ دموکراتیک، یک سابقه درخشان را پشت سر دارد که همانا نیروی سوم به رهبری خلیل ملکی است که در کنار دکتر مصدق در سال‌های حکومت دموکراسی پارلمانی کارنامه‌ای زلال از خویش ارائه داده و در جریان بحران حکومت شاه در سال‌های ۲۹-۴۲ نیز وفادارترین نیرو به راه مصدق با حفظ اعتقادات سوسیالیستی خویش بوده است.

دردوره اخیر بخشی از وفاداران به اندیشه‌های نیروی سوم (که در حزب جمهوری خواهان ملی متشکل شد) و عده‌ای از گروه‌های انشعابی از حزب توده و سازمان‌های دیگر مل و نیز سازمان فدائیان (اکثریت) را در چارچوب طرفداران پارلمان‌تاریسم دموکراتیک می‌توان قلمداد کرد.

علاوه بر این نیروها، تعداد زیادی از چهره‌ها و شخصیت‌های متفرد، که در هیچ یک از سازمان‌ها و احزاب ذکر شده حضور ندارند، را باید ذکر کرد. این‌ها علیرغم نزدیکی نسبی‌شان به این یا آن جریان هنوز در هیچ تشکیلی حضور دائم و آشکارا ندارند. ولی در صورت تجمع احتمالی جبهه طرفداران دموکراتیسم پارلمانی، از کیفیت‌های با ارزش این جبهه خواهند بود.

هیچ حرکت سیاسی را نمی‌توان در جامعه‌ای تنها بر اساس تئوری‌ها آغاز کرد و توجه اکید به سنت‌ها و تجاربات تاریخی موجود در آن محیط از الزامات اساسی این حرکت است. بر این اساس و با توجه به تجربه کوتاه پارلمان‌تاریسم دموکراتیک که از آن سخن گفتیم، تشکیل جبهه‌ای از این نیروها با قیافه‌ای شبیه به جبهه ملی در سال‌های نهضت ملی شدن نفت، محتمل‌ترین فرم ممکن برای جمع آوری این نیروهاست.

نکته اساسی که از این تجربه مورد نظر است، همانا این نکته است که به هیچ روی دلیلی ندارد که این سازمان‌ها و احزاب در صورت تجمع، دست به انحلال خویش در جبهه مورد بحث بزنند. برعکس باید با حفظ استقلال کامل خویش و گرایش‌های فکری مختلفی که دارند، حول یک برنامه معین سیاسی که مبنای آن پارلمان‌تاریسم دموکراتیک است، به اتحاد در چارچوب معینی دست یابند. این احتمال را نمی‌توان از نظر دور داشت که برخی از سازمان‌های حاضر در جبهه مورد بحث، در آینده بتوانند به یکدیگر نزدیکی‌های معینی پیدا کنند و حتی به وحدت در چارچوب سازمان‌های واحد برسند. مثلاً این احتمال در مورد مجموع گرایش چپ یا ملی یا مذهبی و نزدیکی‌شان قابل پیش‌بینی است.

یک نکته را از نظر نباید دور داشت که در تشکیل جبهه ملی، نقش شخص دکتر مصدق و اعتبار و نفوذش به اضافه دانش و تربیت دموکراتیک‌اش، نقشی اساسی بود. با

می‌شود. به عبارت صحیح‌تر نهادهای اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورند که به یاری آن‌ها مردم تحت حکومت می‌توانند حکمرانان را برکنار کنند و سنت‌های اجتماعی (که واسطه هستند میان اشخاص و تصمیم‌های شخصی از یکسو و نهادها از سوی دیگر) اطمینان می‌دهند که این نهادها به دست مصادر قدرت به آسانی نابود نخواهند شد. روش‌های تساوی طلبانه نظارت به شیوه دموکراتیک مانند انتخابات عمومی آزاد و حکومت انتخابی ضمانت‌های مجرب و موثری در برابر جزو و هتند که از طریق نهادها به اجرا گذاشته می‌شوند و نه تنها همیشه قابل اصلاح‌اند، بلکه خود روش اصلاح خویش را به دست می‌دهند.

بنابراین کسی که اصل دموکراسی را به این مفهوم می‌پذیرد، مقید به این نیست که نتیجه رای‌گیری به شیوه دموکراتیک را نمودار موقت آنچه درست و به حق است، ببندارد. چنین کسی گرچه تصمیم اکثریت را به خاطر ادامه کار کرده‌های نهادها می‌پذیرد، ولی خود را آزاد می‌بیند که به وسایل دموکراتیک به جنگ آن تصمیم برود و برای تجدید نظر در آن زحمت بکشد. (۲)

واما قدیم‌ترین شکل حکومت‌های دموکراتیک را در مدل‌های حکومتی می‌توان جستجو کرد که خود را پارلمان‌تاریسم (Parliamentarism) اتکاء دارند. اصل بنیادین در چنین حکومت‌هایی این است که قدرت سیاسی از پارلمان برمی‌خیزد. و پارلمان به نوبه خویش نهادی است که از نمایندگان برگزیده مردم ترکیب یافته است. دولت در شیوه پارلمان‌تاریستی وابسته به ترکیب اکثریت در پارلمان است، که حتی گاه آن را به کمیسیون اجرایی پارلمان تشبیه می‌کنند. در چنین شیوه حکومتی، نه تنها تنوع عقاید و آراء پذیرفته می‌شود، بلکه بیش از آن ضامن اجرایی کارکرد نهادها می‌شود. مبارزه عقاید به این لحاظ امری مثبت در تکامل سیستم حساب می‌آید و نقش اپوزیسیون به اندازه قدرت سیاسی حاکم با ارزش است. گفته می‌شود که در این نظام، کشور نه تنها به دولتی مقتدر، بلکه به اپوزیوسی قدرتمند نیاز دارد. (۳)

حالا ببینیم در میان نیروهای مخالف جمهوری اسلامی، کدامیک ظرفیت پذیرش دموکراسی به مفهومی که در بالا آمد را دارند.

من از برهان خلف شروع می‌کنم. یعنی ابتدا نیروها و گرایشاتی که فاقد این ظرفیت هستند را برمی‌شمارم. اول- حزب توده ایران و سایر گروه‌های چپی که معتقد به مارکسیسم-لنینیسم و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا هستند، اساساً معتقد به قوانین دموکراتیک به معنایی که تاکنون مورد بحث بود، نیستند. الگوهای حکومتی که آن‌ها در پی ایجادش هستند نیز، عملاً فاقد این مختصات بود، یعنی نه انتخابات آزاد و عمومی و پرورد یک‌ونه حضور فعال اپوزیسیون و نه ضرورت ایجاد نهادها و دموکراتیک را می‌پذیرد. تجربه کشورهای سابقاً سوسیالیستی، گواه این مدعا است.

دوم سازمان مجاهدین خلق ایران بویژه با تحولاتی که در سال‌های اخیر از سرگذرانده به کلی خارج از چارچوب مورد بحث است. مجاهدین نه در درون و نه در بیرون سازمان‌شان تحمل عقاید مخالف و گردن نهادن به قوانین بازی دموکراتیک را ندارند. می‌توان گفت مدل احتمالی حکومتی آن‌ها عملاً چیزی شبیه حکومت حزب بعث در عراق خواهد بود.

سوم بخش معینی از سلطنت‌طلبان که هنوز در آرزوی بازگشت نظام "قدرتمند" شاهنشاهی هستند و برای سرنگونی "خشونت‌بار" جمهوری اسلامی تلاش می‌کنند. آرمان آن‌ها برپایی حکومتی نظیر حکومت محمد رضا شاه در سال‌های دهه ۴۰ و ۵۰ است که به هیچ ترتیب با دموکراسی مربوط نمی‌شود.

وجه مشترک هر سه گرایش مورد بحث آن‌است که در صدد برپایی نوعی حکومت ایدئولوژیک هستند که لا جرم تحمل عقاید و آراء و نظرات مخالف را نخواهد داشت و در اولین فرصت به سرکوب خونین مخالفین خواهد پرداخت.

واما نیروها و گرایشاتی که در قالب دموکراسی پارلمانی می‌توانند قرار گیرند، بخشی از نیروهای مذهبی و اسلامی (نظیر نهضت آزادی)، غالب نیروهای ملی (شبه حزب ملت ایران) و آن عده از گروه‌های چپ هستند که خود را چپ دموکراتیک نام نهاده‌اند و از مارکسیسم-لنینیسم به درجات مختلف فاصله گرفته‌اند و سرانجام آن‌ها از نیروهایی که فرم سلطنت مشروطه را برای نظام دموکراتیک پارلمان‌تاریستی پیشنهاد می‌کنند (۴)

در صبحگاه سردا کتبرامسال، در حومه شهر اسلو، ویلیام نیگور ناشر نروژی کتاب آیات شیطانی-سوز دوستان نزدیک سلمان رشدی را به رگبار گلوله بسته شد. حادثه، بازتاب گسترده‌ای در محافل سیاسی و فرهنگی اروپای شمالی داشت. روزنامه اکسپرسن Expressen بزرگ‌ترین روزنامه این منطقه، کارزار وسیعی به راه انداخت. با این شعار که: تمامی روابط با جمهوری اسلامی را قطع کنید! بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی مترقی و آزادی‌خواه از چنین کارزاری حمایت کردند.

اما در گرما گرم این میباحث بسیار داغ، دونکته اساسی با علامت سؤال هم مطرح بود: نکته اول- آیا قطع تمامی روابط با دولت تهران، صحیح‌ترین و عاقلانه‌ترین راه غلبه بر بنیادگرایی اسلامی است؟ اگر ایرانیان بیش از این از جهان خارج منزوی شود، آیا نیروهای افراطی از این انزوا بهره نخواهند گرفت و هارتر نخواهند شد؟ آیا ادامه ارتباط جهان متمدن، کمک به نیروهایی که در ایران به اشکال گوناگون در حال مبارزه با بنیادگرایی هستند، نخواهد بود؟

نکته دوم که از اهمیت بیشتری برخوردار بود، این سؤال بزرگ را طرح می‌کرد: یک لحظه پیش خود تصور کنید که جامعه بین‌المللی تمامی ارتباطات با جمهوری اسلامی را قطع کرده، همه گونه تحریم‌اش کرده و به اشکال مختلف تحت فشارش گذاشته و بعد حکومت تهران زیر بار این تحریم‌ها و پیش از همه به دلیل اضمحلال اقتصادی از هم بپاشد. بعد چه خواهد شد؟ وقتی جمهوری اسلامی بپاشد، آیا تکه پاره شدن این کشور سناریوی بعدی نخواهد بود؟ خلاصه آنکه با نابودی جمهوری اسلامی، آیا اپوزیسیون دموکراتیکی که بتواند جای آن را بگیرد در صحنه سیاسی ایران حاضر است و از نفوذ و اعتبار در میان مردم ایران برخوردار است؟

درست نظیر همین سؤال را ۲ سال پیش در مورد عراق مطرح کردند. غرب از صدام حسین دل خوشی نداشت، اما اکثریت حکومت صدام حسین هم نه نیروهای قابل اعتمادی بودند و نه از اعتباری سراسری در میان مردم عراق برخوردار بودند. پس لاجرم صدام باقی ماند.

و این ماجرای فقدان یک اپوزیسیون دموکراتیک که از اعتبار معینی هم در ایران برخوردار باشد از آن سؤالاتی است که قطعاً با راه‌ها و ابزارها در ذهن مردم ما هم گذشته است. شاید احتیاط مردم برای حرکات اعتراضی تند علیه حکومت درست به دلیل همین علامت سؤال باشد که: "خوب! گیریم که این‌ها رفتند، چه کسی به جای آن‌ها خواهد آمد. مگر یک بار در گذشته از چاله به چاه نیافتادیم و مگر نه این که تجربه را تجربه کردن خطاست. برای من هم منطق این ماجرا دقیقاً قابل فهم است. در جریان انقلاب بهمن ۵۷ مردم ایران با گرایش‌ها و خواسته‌های گوناگون می‌دانستند که چه نمی‌خواهند ولی نمی‌دانستند که دقیقاً چه می‌خواهند و این بار حق دارند اگر طلب کنند که نمی‌خواهند بار دیگر سرشان کلاه برود.

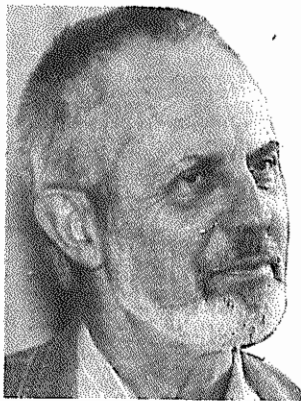
و باز به مسئله پیشین برگردم، غرب به هیچ روی دل خوشی از جمهوری اسلامی ندارد. (۱) تحریمات جمهوری اسلامی در لبنان، مصر، سودان، جنبش فلسطین، الجزایر، جمهوری‌های آسیای میانه و خلاصه تمامی ناآرامی‌ها و آشوب‌هایی که نوعاً به بنیادگرایی اسلامی مربوط می‌شود، به بی‌ثباتی در جهان دامن می‌زند و روند‌های صلح و حل‌علاقانه تشنج‌ها را سدی کند.

حضور مجدد دموکرات‌ها در کاخ سفید و واشنگتن هم همیشه به طور سنتی با مبارزه برای حقوق بشر و لیبرالیزه کردن حکومت‌ها در جهان سوم همراه بوده است و این امر لااقل ۲ بار در تاریخ کشور ما چه در دوره کندی و چه در دوره جیمی کارتر از اهمیت قاطعی برخوردار بوده است. وزیر خارجه آمریکا وارن کریستوفر در ماه پیش سیاست دولتش در قبال جمهوری اسلامی را سیاست طرد و انزوا معرفی کرد و گفت که ما باید از اپوزیسیون دموکراتیک کرد و کشور حمایت کنیم. ولی باز به همان نکته پیش گفته باز می‌گردم. هر چند در چراغ به دنبال این اپوزیسیون که دموکراتیک باشد، مشکل باشد و از نفوذ معینی در جامعه ما برخوردار باشد می‌گردند، کمتر به جایی می‌رسند.

فعالیت‌های سیاسی تبلیغاتی مجاهدین در چند ماه اخیر را دقیقاً در رابطه با همین وضعیت جدید باید توضیح داد. غرب پس از مدتی که به برقراری هاشمی رفسنجانی دل بسته بود، اینک یکسره از تحول ناامید شده و به دنبال آلت‌رناتیو تازه‌ای می‌گردد.

تا این جای مساله فقط طرح موضوع اپوزیسیون دموکراتیک و اهمیت و مبرمیت آن در لحظه کنونی تحولات کشورمان بود. برای دقیق تر شدن موضوع باید به تعریف اپوزیسیون دموکراتیک پرداخت. بدیهی است که اپوزیسیون دموکراتیک در پی ایجاد "حکومت دموکراسی" است. و در این زمینه به تعریف نهادی (institutional) از حکومت دموکراسی اتکاء می‌کنم: حکومت دموکراتیک عبارت از نظام‌هایی است که می‌توان بدون خونریزی از سرشان خلاص شد، یعنی از طریق انتخابات عمومی آزاد که به شکل پرورد یک برگزار

کدام طبقات واقشار حامل آرمانهای سوسیالیستی اند؟



پیتر فون اورتسن

پیتر فون اورتسن از تئوریسین های جناح چپ حزب سوسیال دمکرات آلمان است. وی از محققان برجسته و آشنایان به آثار بنیانگذاران مارکسیسم محسوب می شود. اخیراً به مناسبت هفتادمین سالگرد تولد فون اورتسن، کتابی حاوی مقالاتی از وی چاپ شده است. مقاله حاضر، برگرفته از این کتاب است.

امروز که اندیشه سوسیالیسم و ویژه تئوری های مارکسیسم بطور گسترده مورد تردید قرار گرفته اند، یک فرضیه معین پیش از همه مورد انتقاد است: اینکه "طبقه کارگر" و در آن بویژه کارگران صنعتی، عامل فعال مبارزه علیه سرمایه داری و حامل نظم اجتماعی نوین و مطلوب سوسیالیستی است. واقعیت این است که این نظریه، بر مارکسیسم تاریخی پس از مارکس حاکم بوده است. محققان غیر مارکسیست نیز نظریه مزبور را به مارکسیسم نسبت می دهند. ورنه زومبارت، در اثر معروف خود درباره "سوسیالیسم و جنبش اجتماعی" برای این نظریه، فرمولبندی صریحی یافته است: "سوسیالیسم، پروتزی و پرولتاریا، سوسیالیستی شده است: این وحدت، کار جهانی-تاریخی مارکس است. حتی در جنبش کارگری سوسیال دمکراتیک معاصر، که نه مارکسیست و نه سوسیالیست به معنای سنتی آن است، این نظریه تأثیر خود را گذاشته است. رودلف درسلر، رئیس گروه کارامور کارگری در حزب سوسیال دمکرات آلمان (ح. س. د. آ.)، همین چندین پیش گفت "محیط کارگران ماهر، پایگاه اصلی ح. س. د. آ. است و این حزب، بدون حمایت پایگاه مزبور قادر به کسب اکثریت نخواهد بود."

تردیدی نیست که لااقل در جوامع صنعتی سرمایه داری پیشرفته غرب، به لحاظ تاریخی اندیشه امروزین سوسیالیستی (منظور ما در اینجا، اوتوبی های سوسیالیستی سده های گذشته نیست)، با جنبش رو به اعتدالی کارگران صنعتی در آمیخته و همراه با آن رشد کرده است. اما در این نیز تردیدی وجود ندارد که طی ۵۰ سال گذشته، در جوامع صنعتی سرمایه داری معاصر، ترکیب و خصالت "طبقه کارگر"، یعنی شاغلان مزدبگیر، عمیقاً تغییر یافته است. طبقه کارگر امروز، به لحاظ آموزش عمومی و حرفه ای، موقعیت شغلی (کارگر، کارمند، مأمور دولت) و حیطة فعالیت (مثلاً مشاغل تولیدی و خدماتی)، از بنیاد با طبقه کارگر حدود ۱۹۵۰ تفاوت دارد، و طبقه

تاریخی "پرولتاریا" را نه فقط آرمانخواهی فلسفی و جانبداری تاریخی-سیاسی از محرومین و ستم دیدگان، بلکه همچنین یک نظریه علمی تدوین شده درباره تحول اجتماعی و انقلاب اجتماعی تشکیل می دهد. این نظریه، ارزش آن را دارد که مورد توجه دقیق تر قرار گیرد. جملات اصلی این تئوری در "مقدمه نقد اقتصاد سیاسی" عبارتند از: "نیروهای مولده مادی جامعه، در مرحله معینی از رشد خود در تضاد با مناسبات تولیدی موجود یا به عبارت حقوقی آن، مناسبات مالکیت موجود که تا آن زمان در چارچوب آن رشد کرده اند، قرار می گیرند. این مناسبات، از اشکال رشد نیروهای مولده به زنجیرهای این رشد تبدیل می شوند. دورانی از انقلاب اجتماعی، آغاز می شود. . . یک صورتبندی اجتماعی، هرگز قبل از اینکه همه نیروهای مولده ای که در چارچوب آن جای می گیرند، رشد کرده باشند، زوال نمی یابد. مناسبات تولیدی نوین و عالی تر، هرگز بدون اینکه شرایط مادی موجودیت آن در درامان خود جامعه کهن شکل گرفته باشد، حاکم نمی شود. روشن است که مفاهیمی مانند "مناسبات تولیدی"، "نیروهای مولده"، "تضاد" و "انقلاب اجتماعی"، تنها یکی از دو وجه تعریف شده در تحلیل نظری از روند تکامل اجتماعی-تاریخی، یعنی وجه "عینی" آن را تشکیل می دهند. اما تکامل مشخص تاریخی، در همکاری یا مبارزه انسانهای زنده صورت میگیرد: افراد یا گروهها، جوامع و ملت ها، اقشار و طبقات. این، وجه "ذهنی" روند تاریخ است. نمونه انقلابات بزرگ بورژوازی که مارکس و انگلس بدون تردید تئوری انقلاب خود را با الهام از آنها تدوین کردند، نشان می دهد که نه "نیروهای مولده" بورژوازی تجریدی، بلکه بورژواها، خرده بورژواها، پرولترها و دهقانان مشخصی بودند که قالب "مناسبات تولیدی" فئودالی-سلطنتی را شکسته، سلطنت استبدادی، بوروکراسی، اشرافیت فئودالی و روحانیت را سرنگون کرده، قدرت اقتصادی-اجتماعی را از آنها گرفته و یک جامعه

طبقاتی نوین، جامعه مدنی تحت هژمونی بورژوازی را ایجاد کردند. به این تردید محتمل که آیا این اصول تئوری انقلاب مارکس را می توان به انقلاب پرولتری تعمیم داد یا نه، جمله اصلی آخرین فصل "فقر فلسفه"، پاسخ می دهد. در اینجا، مارکس بطور صریح نه تنها از انقلاب اجتماعی در مفهوم کلی آن، بلکه همچنین از "رهای طبقه کارگر" سخن میگوید: "اگر قرار باشد طبقه تحت ستم خود را رها کند، باید مرحله ای رسیده باشد که نیروهای مولده شکل گرفته و نهادهای حاکم اجتماعی (مناسبات تولیدی - فنون اورتسن) نتوانند به همزیستی ادامه دهند. در میان همه ابزار تولید، بزرگترین نیروی مولده، خود طبقه انقلابی است. سازماندهی عناصر انقلابی به مشابه طبقه، مستلزم موجودیت کامل همه نیروهای مولده ای است که میتوانند در درامان جامعه کهن شکل گیرند. دزاینجا کاملاً روشن می شود که مارکس، طبقه کارگر را نه صرفاً عامل مورد استثمار سرمایه داری، بلکه همچنین تولید کننده جمعی و حامل اقتصاد صنعتی مبتنی بر تقسیم کار و تعاون امروزین، به عنوان بزرگترین نیروی مولده می داند. تنها با این شرط است که انتظار مارکس از "طبقه کارگر" رهایی یافته از سلطه سرمایه برای تجدید سازمان جامعه بر پایه تعاون و بهره گیری از نیروهای مولده ایجاد شده توسط سرمایه داری، به سود همه و تک تک افراد جامعه، مرجع است.

واقعیت این است که "طبقه کارگر" در آثار مارکس و انگلس، از این زاویه نیز مطرح می شود، یعنی به عنوان "کارگر کلی و جمعی". این طبقه، مظهر همه نیروهای خلاق است که در سرمایه داری رشد یافته اند. او، عامل واقعی تولید مدرن، علمی، تکنیکی و مبتنی بر تقسیم کار و تعاون است. این طبقه، صاحب واقعی نیروی کار اجتماعی انسان است که بازدهی آن تا حد غیر قابل تصویری افزایش یافته است. البته این بدان معنی است که طبقه کارگر تاریخی که مارکس و انگلس تحلیل ها و استراتژی های خود را به لحاظ سیاسی عمدتاً خطاب به او

تدوین کرده اند، اگر چه بخش مهمی از عامل انقلابی "پرولتاریا" است، اما تنها عامل آن نیست. تعریف پرولتاریا، کارکنان علمی، معلمان، صاحبان فن، سازماندهان و مدیران رانیز شامل می شود، هر چند هر یک که مارکس و انگلس در مبارزه مشخص سیاسی به اظهار نظر مبنی درباره روشنفکران "بورژوا" پرداخته باشند. ممکن است در آن موقعیت مشخص سیاسی، مارکس و انگلس به دلایل قابل دفاع، مخالف حضور افرادی در حزب و سندیکا بوده اند که تحت فشار سرنوشت زندگی پرولتری به جنبش کارگری نیوسته و یا مانده بودند. اما در اصل، این برخورد مارکس و انگلس، در تضاد روشن با شناخت نظری آنهاست.

چرا که مارکس و انگلس باید می دانستند که کارکنان علمی و فنی، سازماندهان و نیز بخش هایی از دستگاه دولتی که به کار ساختمان و حفظ به عبارت امروزی "زیر ساخت" صنعت سرمایه داری مشغول بودند، بخش غیر قابل تفکیک "نیروهای مولده" سرمایه داری بودند. واقعیت نیز این است که در اینجا و آنجا آثار مفصل مارکس و انگلس، به قدر کافی اشاراتی دیده می شود که آنها در تئوری کاملاً به این امر واقف بودند.

روشن ترین نمونه، اظهارات مارکس در "سرمایه پیرامون کارکرد مدیریت شرکتها و کارخانه ها است. از آنجا که هر کار جمعی مانند کارکنان که به رهبر نیاز دارد، نیازمند مدیریت است، تولید مدرن مبتنی بر تقسیم کار نیز محتاج "مدیر" است. در "سرمایه" آمده است که این مدیران، کار مولد انجام می دهند و حق دریافت دستمزد دارند، دستمزدی که باید اکیداً میان آن و سهم احتمالی آنها از سود سرمایه،

تفاوت فائل شد. آنچه در مورد کارکرد مدیریت معتبر است، باید برای سایر کارکردهای لجستیکی، سازماندهی، اطلاع رسانی و توزیع و نیز کسب و ترویج دانش و شناختهای مفید، یعنی برای کارکردهای به اصطلاح "روشنفکران"، صدق کند.

از این نظر، سؤال مطروحه از سوی لنین در "چه باید کرد؟" که دایماً "طبقه کارگر می تواند با

اتکا به خود، به آگاهی سوسیال دمکراتیک دست یابد (در زبان دوره پیش از جنگ جهانی اول به همان چیزی که امروز "سوسیالیستی" می گفتند، صنعت "سوسیال دمکراتیک" اطلاق می کردند) یا باید این آگاهی از خارج بدان منتقل شود، در پروتئوری واقعی مارکس نادرست به نظر می رسد و یک مسئله ظاهری گمراه کننده از کاردر می آید. چرا که اگر روشنفکران مولد فنی و علمی، از اساس جزئی از عامل انقلابی، یعنی "کارگر جمعی" باشند، انتقال شناختهای بدست آمده از سوی روشنفکران به کارگران و کارمندان زحمتکش و کل روند تاریخی آموزش و سازماندهی مزدبگیران، نه یک دخالت از خارج، بلکه همانا شکل گیری همکاری سودمند میان اقشار، گروهها و بخش های مختلف "کارگر جمعی" است.

به عبارت فشرده و کوتاه، محدود کردن جنبش سوسیالیستی به جنبش "کارگران همواره خطا بوده است. آنچه امروز رخ داده است، تنها عیان شدن این خطاست. هر چند خود مارکس و انگلس در فعالیت مشخص سیاسی و سازمانی خویش به این خطا دام نزنند، اما در عین حال در تئوری خود ابزار علمی برای تصحیح این خطا فراهم کرده اند.

شاید دلایلی برای زیر سؤال بردن تئوری مارکس و هدف اجتماعی او یعنی جامعه ای مبتنی بر همبستگی و عاری از استثمار، ستم و بی حقی وجود داشته باشد. اما مسئله عامل فعال جنبش سوسیالیستی، از این دلیل نیست. همه انسانهایی که کاری سودمند و به لحاظ اجتماعی ضروری یا حداقل با فایده انجام می دهند، صرف نظر از آنکه مزد بگیرند یا، در تولید کالا باشند یا در خدمات، در کارگاه، دفتر یا خانه، بادست یا با مغز، مخاطبان اندیشه سوسیالیستی و همزمان با لوقه جنبش سوسیالیستی اند. تنها چگونگی همکاری آنهاست که باید روشن شود.

(۳) برای اطلاع بیشتر، ر. ک به ۱۹۸۷ "HELD, D, MODEL SOF DEMOCRAC"

(۴) در مورد دسته آخر باید با احتیاط کافی سخن گفت، زیرا که در میان عقاید تاکنون بیان شده از سوی این نیرو و اغتشاش فکری به قدر کافی وجود دارد. زیرا در تجزیه نظام های دمکراتیک پارلمانتاریستی تاکنون موجود، نظیر آنچه در دانمارک، نروژ، سوئد، انگلس و غیره وجود دارد، شاه (با ملکه) فاقد هر گونه قدرت سیاسی و به طور کلی خارج از روابط قدرت سیاسی است و تنها به شکلی سمبلیک و سنتی حضور دارند و لاغیر. اگر از این خاستگاه به مسئله نزدیک شویم، ظاهر مسئله مهمی نیست که یک پادشاه سمبلیک یا یک رئیس جمهور خارج از قدرت سیاسی وجود داشته باشد ولی اینکه مردم به نظام سلطنتی یا نظام جمهوری رای بدهند، موضوعی به کلی خارج از بحث نظام های دمکراتیک پارلمانتاریستی به مفهوم موجود کلمه است.

(۵) ر. ک به نگاه نو شماره ۱۴ خرداد-تیر ۱۳۷۲ مصاحبه با داریوش آشوری (*) نظرات عنوان شده در این نوشته به هیچ روی انعکاس عقاید هیئت تحریریه نشریه "کار" نیست و تمامی مسئولیت آن به عهده نویسنده است.

برنامه می فرستند) را دارند. اما همه این امکانات و ایجاد تشکل احتمالی باید به مشابه پشت جبهه ای برای مبارزات مردم در داخل کشورمان باشد و همه گونه امکان ارتباط و پیوند با داخل کشور را جستجو کند. ونکته آخر اینکه جلب افکار عمومی مردم ایران و جهان مهم ترین سلاح مبارزه در راه استقرار دمکراسی پارلمانتاریستی است و رسانه های گروهی به معنای عام کلمه (که تواروید نو و کاست راهم شامل می شود)، نقش کلیدی در این میان دارد. از این سلاح خمینی به دقیق ترین معنا استفاده کرد.

۱۲۶ کتبر ۱۹۹۳
الف. حکیمی

(۱) و همین جا البته به منافع اقتصادی کوتاه بینانه برخی از کشورهای غربی و زاین باید اشاره کرد. اما در تحلیل نهایی مضرات این حکومت بیش از فوایدش برای غرب به معنای کلی کلمه است.
(۲) برای اطلاع بیشتر در این باره، ر. ک به ۱-جامعه باز و دشمنان آن کارل ریمنوند پریتر ترجمه عزت الله لولاوند. ۲- ۱۹۸۹. AND ITS CRITICS. DAHL, R A DEMOCRAC

پارلمانتاریسم دموکراتیک

ادامه از صفحه ۸

می دهند. این گروه هم کمتر مجال برای کارهای فرهنگی (ومن اضافه می کنم: سیاسی) دارند. (۵)

مقایسه میان مهاجرین ایرانی در دور اخیر با دانشجویان فعال در کنفدراسیون در سالهای سلطنت شاه هم به گمان من قیاس مع الفارق است. زیرا آنها کسانی بودند که برایشان از ایران پول می آمدند و نتیجه غصه نان شب را نداشتند. بعد هم خود را دانشجوی میهمان می دانستند و در پی آن بودند که پس از تحصیل به ایران بازگردند و لذا برای همگرایی در جوامع غربی تلاشی نمی کردند و بالاخره اینکه تحت تأثیر فضای فعال سیاسی و چپ دانشجویی اروپا و آمریکا در سالهای پایانی دهه شصت و تمامی دهه هفتاد بودند. اما از نظر نباید دور داشت که امکانات فعالین سیاسی حاضر در صحنه امروزین به نسبت سیاسیون در ایران فوق العاده بیشتر است. از آزمون عمل برخوردارند، می توانند به راحتی با یکدیگر ارتباط داشته باشند و گرد هم بیایند. قدرت بسیج افکار عمومی در غرب و استفاده از رسانه های گروهی غرب (و بویژه آنهایی که به زبان فارسی برای ایران

در خارج از کشور است؟ شک نباید داشت که هر حرکتی در خارج از کشور باید در درجه نخست متوجه مردم ایران باشد. زیرا به گمان من بیش از ۲ میلیون مهاجر ایرانی، امروز با مشکلات خود در مهاجرت مشغولند و بیش از آنکه درگیر مسائل ایران باشند، متوجه مسائل در کشورهای میزبان خویش اند. اگر چه قلب های بسیاری از این انسانهای شریف هنوز با میهن شان می تپد ولی بسیاری شان امکان بازگشت به وطن و اندیشیدن به مسائل امروز ایران را ندارند.

داریوش آشوری در مصاحبه ای، پیرامون ایرانیان در خارج از کشور گفته بود: "اینها ۲ دسته هستند: پولدارانی که تفریح می کنند و بزن و بکوب دارند و جز انگشت شماری به کارهای فرهنگی نه چندان علاقه ای دارند و نه کمکی به این کارها می کنند. اینها ممکن است نظراتی هم به نام میهن و میهن پرستی داشته باشند، ولی نباید خیلی جدی گرفت. بقیه هم اغلب برای لقمه ای نان، شب و روز

چرا دولت شوراها دچار شکست شد؟

همکار گرامی آقای صالح درویش در مقاله مسبوطنی با عنوان فوق کوشیده است علت شکست دولت شوروی را مورد بررسی قرار دهد. در این مقاله ۱۸ دلیل ارائه شده است که فشرده مهمترین آنها به قرار زیر است:

- ایده نئولیبرالیزم کردن تمام زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم و تبدیل شدن حزب به ارگان بورکراسی - وجود قدرت، امکانات، پول و وامری که بی چون و چرا اطاعت می شد، لایه بالای حزب را به امپراطورها تبدیل کرد.

- هرگونه پرنسب واقعی برای عضویت در حزب به ویژه در او خراز بین رفت و حزب پلکان ترقی فرصت طلبان شد.

- نونکردن رهبری و اجرای سیستم احامت و پادشاهی در رهبری بالای حزب. نساختن کادرهای با تجربه، پرانرژی و با اعتقاد.

- رعایت نکردن دموکراسی فرهنگی و سیاسی. "پلانی" کردن سیاست و فرهنگ.

- عدم برخورد واقع بینانه و نقادانه با تاریخ مبارزات هفت دهه گذشته. عدم استفاده از تجربه سایر احزاب نظیر حزب کمونیست چین، بدلیل وجود همونیسم.

- بودجه های هنگفت نظامی و فضایی که باعث عدم توجه به نیازهای اقتصادی مردم شد.

- توجه یک جانبه به صنایع سنگین و بی توجهی به نیازهای مصرفی مردم.

- کمک به کشورهای فقیر جهان سوم در آسیا و آفریقا و هم چنین احزاب مختلف که از جنبه های مختلف فشار زیادی را بر دوش مردم شوروی وارد کرد.

در قضاوت منصف باشیم!

رفقای عزیز. ضمن سلام و تقدیم بهترین آرزوها جهت توفیق روز افزون شما و همه نیروهای وفادار به سوسیالیسم و عدالت اجتماعی. در کار شماره ۶۸ به مطلبی از رفیق (ن) برخوردم که در رابطه با آن نامه به نوشتار ذیل اقدام و قبلا از تصدیق اوقات شما عزیزان پوزش خواسته و توفیق نهائی و قاطع شما و همه نیروهای ظلم ستیز را مسئلت می نمایم و با اجازه به اصل موضوع طرانی بود، سرمایه داری توانست از وضع موجود بهره بگیرد.

- رهبران ناسیونالیست در جمهوری های مختلف قدرت گرفتند.

- برگشت به خود غیر منطقی روی داد و انترناسیونالیسم فراموش شد.

- اتحاد مشترک سیاسی و اقتصادی بین کشورهای سوسیالیستی که برای آنها حیاتی بود بهم خورد.

وبالاخره:

اقدام به اعلام وضعیت فوق العاده از سوی طرفداران حزب کمونیست شوروی در اگوست ۱۹۹۱ باعث شد که آن رهبران کمونیستی که جامه ملی به تن کرده و طرفدار غرب بودند به قدرت برسند.

آقای صالح درویش در پایان مقاله خود نوشته است:

سرمایه داری غرب نمی تواند گلوله آخر را بر مغز مردم شوروی شلیک کند. مردمی که همه دارای سواد هستند، مردمی که تجربه های تلخ و شیرین دارند، مردمی که شعور اجتماعی و آگاهی سیاسی اشان هر روز بالا تر می رود. در برابر اجحاف سرمایه داری، ایده سوسیالیسم و عدالت خواهی دوباره هویدا می گردد و میلیونها طرفدار خود را باز می یابد.

جنگ قدرت بر سر هیچ؟!

دو ارگان سرکوبگر در مراحل قبلی بخوبی به وظایف خود عمل می کردند.

از طرفی سیاستهای اقتصادی دولت و فضای به اصطلاح باز سیاسی و فرهنگی در دوره قبلی ریاست جمهوری رفسنجانی در نهایت جناح واپس گرا را به مخالفت های شدید با این شرایط واداشت که نمونه عملی آن کنار گذاشته شدن وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (خانمی) بود. جای پای این مخالفت ها در کابینه جدید رفسنجانی به خوبی مشهود است. چرا که اهرمهای اصلی سیاست داخلی یعنی وزیر اقتصاد و کشاورز آن از جناح واپس گرامی باشند. این تغییر رادیکال در عرصه سیاست های داخلی امید اصلاحات اقتصادی و سرمایه گذاری های خارجی را به پاس میدل کرده است، عاملی که در آینده نزدیک تشدید نارضایتیهای مردمی و وقایعی به مراتب شدید تر از سال گذشته را بدنبال خواهد داشت.

در این مرحله از درگیریها می توان دو گونه واکنش را از طرف جناح محافظه کار رفسنجانی پیش بینی کرد. رفسنجانی برای خارج شدن از این مرحله سعی در زور آزمایی با رقبای سرسخت فعلی خواهد کرد یعنی در مقابل رهبری مجلس خواهد ایستاد. راهی که بسیار دشوار و حساس خواهد بود بخصوص در مورد رهبری که تنها راه ممکن انتقال رهبری از فرد به شورای رهبری می باشد و یا با ادامه سیاست خارجی جناح تندرو در منطقه و حمایت از گروههای اسلامی در لبنان، فلسطین، اردن، مصر، الجزایر، سودان و سومالی کشورهای غربی مخصوصا آمریکا را به واکنش و اعمال فشار بر این جناحها که همیشه به عنوان طرح این گونه سیاستهای رژیم بوده اند فرا خواهد خوانند.

در هر صورت بنظر می رسد جنگ قدرت فعلی در داخل بی ثباتی بیشتر اقتصادی و سیاسی را به ارمنغان می آورد که زمینه جنگ داخلی در آینده خواهد بود و در عرصه بین المللی و مخصوصا خاور میانه بی ثباتی کشورهای عرب و اختلال در کنفرانس صلح اعراب و اسرائیل را. یعنی درست همان هدفی که سازمان آزادی بخش فلسطین در سرزمینهای اشغالی دنبال می کند.

در حقیقت جنگ قدرت در ایران می تواند بی استفاده هم نباشد! ؟!

کمکهای مالی

از کانادا ۴۴۰ دلار کانادا
 یک مشترک از بخوم - آلمان ۳۰ مارک
 نشریه "کار" دست یاری همه یاران را بگری می فشارد

پاسخ به نامه ها

دوست عزیز، میثم از انگلستان: مطلب ارسال شده شما بنام "در سالگرد کشتار رفقها - فاجعه ملی - اندکی دیرتر از شماره های مربوط به گرامیداشت سالگرد کشتار زندانیان سیاسی به دست ما رسید. امیدواریم بتوانیم آنرا در آینده، به مناسبت و در جای خود، مورد استفاده قرار دهیم.

دوست گرامی، منصور از سوئد: مقاله "خارجی ستیزی در سوئد" برای صفحات محدود و نشریه کار به این اندازه طولانی بود. از شما و همه خوانندگان گرامی که برای "کار" نامه می نویسند، رعایت حداکثر خلاصه نویسی را انتظار داریم. توجه شما را به این نکته جلب می کنیم که صفحات مربوط به اخبار خارجی نشریه کار، بیش از آنکه نیازمند اخبار سیاسی روز کشورهای اروپایی باشند، محتاج مقالات جامع تر و مستدل تحلیلی می باشند. ما همه رفقایی را که دستی در کار ترجمه دارند، در این زمینه به یاری می طلبیم.

همکار عزیز، صالح درویش از آذربایجان: مقاله شما بنام "چرا دولت شوراها دچار شکست شد؟" برای صفحات نشریه ما بسیار طولانی بود و از همین رو به اجبار فشرده ای از آن را در همین شماره به چاپ رساندیم. مطلب ارسال شده دیگر شما به نام "آغاز جنگ جهانی سوم و کردار ترکیه، فراموش شدگان دنیا" نیز به دست ما رسید. مقاله اول - ترجمه ای از نشریه پر اواد - برای درج در نشریه در نظر گرفته شده بود، که حوادث مسکو تا حدودی موضوعیت آنرا منتفی کرد. در انتظار همکاریهای بعدی شما، با توجه به کوتاه نویسی هستیم.

دوستان ارجمند مهرداد و بابک از فرانکفورت آلمان: آدرس دقیق شما در اختیار بخش توزیع قرار گرفت. در مورد سایر

درخواستهای شما متأسفانه امکان ارسال شماره های قدیمی نشریه کار از سوی ما وجود ندارد. لیست مورد اشاره شما نیز در اختیار ما نیست و گمان نمی کنیم چنین لیستی وجود داشته باشد. اگر منظور فهرست شهدای فاجعه ملی ۱۳۶۷ است، می توانید یک نسخه از آنرا از ویژه نامه کار به مناسبت سالگرد فاجعه ملی در سال ۱۳۷۰ تهیه کنید.

دوست عزیز کلا بدین آلمان: تقاضای شما در اختیار بخش توزیع نشریه "کار" قرار گرفت.

دوست عزیز محمد: در مقالات نشریه کار بدلیل کمبود جا، معمولاً از آرایه شماره و تاریخ نشریات مورد استناد چه داخلی، چه خارجی، مگر در موارد ویژه خودداری می شود. اجرای تذکر شما در مورد روزنامه های ایرانی که بسیار مورد اشاره ما قرار می گیرند، دشوار است، اما در مورد نشریات خارجی، سعی خواهد شد تا حد امکان این موضوع رعایت شود.

دوست ارجمند، پویان از سوئد: پیشنهاد شما را پیگیری خواهیم نمود چنانچه نتوانستیم مقاله یا ترجمه ای در مورد وضعیت پرتی اروپا و مکانیسمهایی که در این مورد عمل می کنند، را برای آگاهی خوانندگان در "کار" منتشر سازیم.

خواننده گرامی - رضا از برمن آلمان: ما از تشکیل جبهه جمهوری خواهان مورد اشاره شما اطلاع نداریم و تا جایی که می دانیم چنین جبهه ای تشکیل نشده است. شاید منظور آن دوست که این خبر را به شما داده است، اشاره به هدف سازمان مبتنی بر تشکیل چنین جبهه ای، که در کنگره سوم مورد تاکید مجدد قرار گرفت، بوده است.

<p>فرم درخواست اشتراک "کار"</p> <p>اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/></p> <p>مدت اشتراک: شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/></p> <p>نام:</p> <p>آدرس: Name: _____</p> <p>Address: _____</p> <p>فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست نمایید.</p>	<p>بهای اشتراک "کار"</p> <p>اروپا:</p> <p>ششماه - ۴۵ مارک</p> <p>یکسال - ۹۰ مارک</p> <p>سایر کشورها:</p> <p>ششماه - ۵۲ مارک</p> <p>یکسال - ۱۰۴ مارک</p>	<p>"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو هفته یکبار روزهای چهارشنبه منتشر می شود.</p> <p>حساب بانکی: M.ABD آدرس: RUZBEH</p> <p>NR_35263011</p> <p>کد بانکی: 37050198</p> <p>POSTFACH 1810</p> <p>52020 AACHEN</p> <p>GERMANY</p> <p>Stadtsparkasse Köln</p> <p>GERMANY</p> <p>شماره فکس: 0049 _ 221 _ 3318290</p> <p>Fax: 0049 _ 221 _ 3318290</p>
---	---	--

مناقشه آبخازستان:

مسئله ملی، دخالت خارجی

درگیری جدایی طلبان آبخازها با نیروهای دولت مرکزی گرجستان یک ماه پیش به اوج خود رسید و سرانجام به تسلط جدایی طلبان بر شهر سوخومی (مرکز آبخازستان) منجر شد. نزاع آبخازها با روسیه هشتاد کمابیش حالت قهرآمیز داشته، لیکن تنها با شدت گرفتن درگیریها و سختتر شدن موضع طرفین بود که نگاهها بیش از پیش به سوی قفقاز چرخید. اینک به نظر میرسد که متأسفانه همچون درگیری بالکان کینه و نفرت طرفین مناقشه بحدی رسیده باشد که زندگی مشترک آنها در کوتاه مدت دیگر میسر نباشد.

راست این است که آبخازها در آبخازستان اقلیتی محدود را تشکیل میدهند. بر اساس آمار سال ۱۹۸۹ در محدوده شوروی سابق تنها ۱۰۶ هزار نفر آبخاز زندگی می کنند که در مقام مقایسه ۱۸ درصد کل جمعیت آبخازستان را تشکیل می دهند. سهم گرجی ها در ترکیب جمعیت این منطقه به ۴۷ درصد میرسد و بقیه جمعیت را روسها، ارمنیها و گرجی ها تشکیل میدهند.

اما آبخازها همیشه در اقلیت نبوده اند. آنها تاریخ خاص خود را داشته اند که قسماً با تاریخ گرجی ها در آمیخته است. در قرن ششم میلادی حکومت بیزانس به ترویج مسیحیت در آبخاز پرداخت، در قرن نهم آبخاز خود را پادشاهی مستقل اعلام کرد و در سال ۹۷۸ گرجستان از درون اتحاد درآمد، در قرن شانزدهم همراه با غرب گرجستان تحت تسلط امپراطوری عثمانی قرار گرفت و اکثریت جمعیت آن داوطلبانه و با به زور شمشیر به اسلام گرویدند. در اوایل قرن نوزدهم آبخازستان نیز همچون سایر قسمت های قفقاز به تصرف روسیه درآمد که مقاومت

در ده ساله آبخازها و سایر ساکنین قفقاز را به دنبال داشت و به مهاجرت کثیری به اراضی عثمانی انجامید. این مهاجرتها دست روسیه را برای ایجاد مناطق و شهرکهای مسیحی نشین در قفقاز بیش از پیش باز نمود. همین روند باعث شد که آبخازها در کشور خود به اقلیت تبدیل شوند. این سرنوشت هر چند آبخازها را به کنش و چالشی در برابر روسها سوق داد، لیکن ترس از دولت ناسیونالیست گرجستان برای آبخازها خطرناکتر از اختلاف و نزاعشان با روسها بود. جنبش ناسیونالیستی گرجی ها همچون سایر نهضت های ناسیونالیستی و عظمت طلبانه هیچ گونه در آمیزی قومی را بر نمی تابد، از این رو بود که امپراطوری چند ملیتی روسیه در نظر آبخازها نسبت به عظمت طلبان گرجی کم خطر تر می نمود. حتی منشویکیهای میانه رو گرجستان نیز از ناسیونالیسم به مثابه اهرمی برای بسیج مردم سود می جستند. این امر سبب شد که اقلیت های سرکوب شده خطه گرجستان طبعاً به بلشویکیها گرایش یابند. سال ۱۹۲۱ با تسلط بلشویکیها بر گرجستان، آبخازستان نیز به یک استقلال نیم بند دست یافت. اما با به قدرت رسیدن یک فرد گرجی یعنی استالین در شوروی در پیاره ورق برگشت. سال ۱۹۲۱ آبخازستان حقوق قبیله خور را از دست داد و به یک جمهوری خود مختار تحت حاکمیت گرجستان بدل شد. این در واقع جزئی از سیاست های رهبر حزب کمونیست گرجستان یعنی پریا بود که از همان آغاز دهه ۳۰ مورد حمایت استالین قرار گرفت. بر این پایه در دهه ۳۰ ریاست سازمان امنیت استالین گمارده شد و در همگامی با استالین جناح های بسیاری را در حق مردم و

روشنفکران شوروی رقم زد. با سرگ استالین چرخش جدیدی در حیات سیاسی اقلیتها صورت گرفت. اقلیت های ساکن گرجستان نیز در مناطق زیست خود از حقوق ویژه و سهم معین در امورات مختلف بهره مند شدند. ناسیونالیستهای گرجی این سیاست جدید را بخشی از روسی سازی مناطق اقلیت نشین تلقی کرده و به این اقلیتها تا همین امروز هم به عنوان اهرم فشار روسها نگاه می کنند. این بد بینی گرجیها قسماً هم بی دلیل نیست، چرا که مثلاً به رغم همسایگی و تاریخ مشترک آبخازستان با گرجستان زبان دوم رایج در این منطقه نه گرجی بلکه روسی است. منشأ مناقشه فعلی به اواخر دهه هشتاد بازمی گردد. در دسامبر ۱۹۷۷ نزدیک به ۱۳۰ روشنفکر آبخازی از دست فشارها و تضيیقات گرجی ها به کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی شکایت بردند و خواهان الحاق جمهوری خود به جمهوری روسیه شدند. به دنبال این ماجرا در سال ۱۹۷۸ تظاهرات و تیراندازی های در سوخومی در گرفت و آثار ویرانه های تاریخی گرجی مورد هجوم و تخریب واقع شدند. در پی این رویداد مسکو آبخازها چندین امتیاز داد. از جمله مؤسسه تعلیم و تربیت سوخومی به دانشگاه ملی آبخازها بدل شد و سهم دانشجویان آبخازی در مؤسسات آموزشی فزونی یافت. دولت گرجستان نیز در مورد سرمایه گذاری در آبخازستان قول و قرارهایی را مطرح نمود. اما ظاهراً شکافها و چالشها به حدی بود که دادن چنین امتیازهایی دیگر خواست مردم آبخاز را برآورده نمی کرد، آنها دیگر کمابیش دولت مستقل خود را طلب



شبه نظامیان آبخاز در حال گشت در خیابانهای سوخومی مرکز آبخازستان

است. امتناع گرجستان از تداوم این پیوندها و نبیوستن آن به جامعه کشورهای مستقل (جامعه ای متشکل از جمهوریه های پیشین شوروی که روسیه در آن نقش محورا دارد) سبب شد که روسیه به اعمال فشار علیه گرجستان دست یازد و با کمکهای آشکار و پنهان به اقلیتها حل مسئله ملی در گرجستان را با دشواری بیشتری مواجه سازد. علیرغم آنکه گرجستان اخیراً برای پیوستن خود به جامعه کشورهای مستقل اظهار تمایل کرده و حضور نیروهای روسیه در خاک خود را بلا مانع دانسته، با این همه هنوز با یک صلح آمیزی برای حل مسئله آبخاز در چشم انداز دیده نمی شود. علاوه بر آن تشدید درگیریها میان نیروهای هوادار گامسوخوردی با نیروهای دولت مرکزی گرجستان فعلاً مسئله آبخاز در سایه قرار داده است.

با لغو همه حقوق خود مختاری که زمانی مسکوبه آنها داده بود، پاسخ دادند. این سیاست با به قدرت رسیدن گامسوخوردی در گرجستان شدت بیشتری یافت و آتش درگیریهای مسلحانه از هر سوزیانه کشید. با سقوط گامسوخوردی نیروهای شبه نظامی آبخاز دیگر قدرتی شده و تب استقلال بیش از پیش شدت گرفته بود. در چنین اوضاع و احوالی تلاشهای سیاسی زمامدار جدید گرجستان یعنی ادوارد شوارنادزه نیز شانس چندانی برای موفقیت نداشت. راست این است که گرجستان از زمان دستیابی به استقلال در سال ۱۹۹۱ رابطه گرم و دوستانه ای با روسیه نداشته است. پس از فروپاشی شوروی روسیه چه به لحاظ اقتصادی و از نظر امنیتی پیوسته خواهان حفظ برخی از بیوندهای قبلی با سایر جمهوریه های سابق شوروی بوده

می کردند. تاریخ شناسان ناسیونالیست گرجی از دهه هفتاد استقلال گرجستان بدیده های نوینی هستند. به گفته آنها از مسئله اوستیاسد سال می گذرد و مسئله آبخازها نیز تنها به سیصد سال پیش بازمی گردد. از این رو این اقلیتها همچون پرنده گان مهاجر حقیقی برای اقامت در از مدت ندارند و تحمل آنها هم تا کنون به این خاطر بوده که بعنوان افراد خارجی رفتار مطیعانه و سر به راهی داشته اند. این موضع در جریان کشمکش سالهای اخیر بر سر استقلال گرجستان از شوروی به دیدگاه رسمی دولتمداران گرجی فرا روید. در این راستا میارزه بر علیه مسکوبت و اقلیت های حامی آن در گرجستان دوروی یک سکه تلقی گشت. بی سبب نبود که گرجی ها تلاش آبخازستان برای استقلال را

تصویب قانون اساسی موقت آفریقای جنوبی

ادامه از صفحه ۱۲

کنند. دولت دکلرک و ای. ان. سی، به شدت با این خواست مخالفتند. ای. وی. اف. اعلام کرده است که علیه انتخابات آینده دست به عملیاتی خواهد زد. حزب محافظه کار که یک حزب ماوراء راست است، سه شنبه هفته گذشته اعلام داشت: این انتخابات، انتخابات مشحون از فخر خواهد بود. انتخابات به اصطلاح دمکراتیک، مضحکهای بیش نیست.

دولت آفریقای جنوبی و ای. ان. سی. در ماههای آینده نیز خواهند کوشید موافقت ائتلاف آزادی را با انتخابات جلب کنند. هفته گذشته سخنگوی ای. ان. سی. اظهار داشت برای مخالفان انتخابات، باب گفتگو همواره باز خواهد بود. اما دولت و ای. ان. سی. مصممند انتخابات را بدون شرکت ائتلاف آزادی نیز برگزار کنند.

با اینکه قانون اساسی موقت مصوب هفته گذشته، الزاماً همان قانون اساسی دائمی که باید تا سال ۱۹۹۹ تصویب شود نخواهد بود، چهارشنبه گذشته به همراه قانون اساسی موقت، اصول ناظر بر قانون اساسی نیز مورد تصویب قرار گرفت. این اصول، باید از سوی قانون اساسی دائمی نیز رعایت شوند. از جمله این اصول، وجود استانیها با حد بالایی از خود مختاری است.

نمایندگان مجلس شورای ملی نیز از لیست های محلی احزاب انتخاب خواهند شد. قوانین، باید به تصویب هردو مجلس برسد. هر چند در موارد زیادی، دولت مرکزی خواهد توانست در تصمیم گیری در برابر استانیها را خود را به کرسی بنشانند، با این حال ای. ان. سی. افزایش قاطعی در اختیارات مناطق را پذیرفته است. اما ائتلاف آزادی متشکل از احزاب محافظه کار سفید و سیاه، میزان تمرکز داری در نظام سیاسی آتی را کافی نمی دانند. مانگو سو توپونه زری رهبر قبیله زولو حزب اینکاتا، معتقد است قانون اساسی جدید، به "دیکتاتوری ای. ان. سی." خواهد انجامید. ائتلاف آزادی هفته گذشته خواهان اعطای اختیاراتی به مناطق شد که دولت مرکزی قادر به پس گرفتن آنها نباشد. این ائتلاف همچنین می گوید استانیها باید این اختیارات داشته باشند که خود درباره مسئولیت هایی که به دولت مرکزی می سپارند، تصمیم بگیرند.

در ائتلاف آزادی احزاب راست افراطی سفید پوستان که "جبهه ملی آفریکان" (ای. وی. اف.) را تشکیل می دهند نیز شرکت دارند. این احزاب، خواهان منطقه ای هستند که در آن، سفید پوستان اکثریت داشته باشند و به تنهایی قدرت دولتی را اعمال

اکثریت افراد را سفید پوستان و طرفداران حزب ملی تشکیل خواهند داد. اقتصاد آفریقای جنوبی نیز تقریباً بطور کامل تحت کنترل سفید پوستانی است که اکثریت آنها از حزب ملی حمایت می کنند. جوسلو و صدر حزب کمونیست و عضو کمیته اجرایی ای. ان. سی، اذهان دارد که ای. ان. سی. همه اختیارات دولت جدید را در دست نخواهد داشت. وی می افزاید به همین خاطر، یک دوره که در آن، بیشترین حد توافق حاکم باشد، ضرورت دارد. هر چند حزب ملی، میجویر شد از اندیشه تقسیم قدرت دست بکشد، ای. ان. سی. نیز ناگزیر گردید امتیازاتی بدهد که به عدم تمرکز قدرت دولتی می انجامد. به جای دولت مرکزی مقتدر مورد نظر ای. ان. سی، ۹ استان آفریقای جنوبی دارای اختیارات مهمی در زمینه هایی مانند پلیس، آموزش، بهداشتی و کشاورزی خواهند بود. مجلس سنار نمایندگان استانها تشکیل خواهند داد. نیمی از

گزارشهای مزبور حاکی بود که به زودی ملک حسین پادشاه اردن و اسحاق رابین نخست وزیر اسرائیل در واشنگتن تحت نظارت کلینتون رئیس جمهور آمریکا، قرارداد صلح را امضا خواهند کرد، تا کنون این پیش بینی ها به تحقق نبیوسته است.

امکان تعویق

ادامه از صفحه ۱۲

مخالفت با روند صلح، به اپوزیسیون اسرائیل محدود نمی شود. وزیر مسکن اسرائیل گفته است ماجرای میسراهی باز اندیشی در مورد روند صلح را ضروری کرده است. این عضو دولت اسرائیل، مدعی شد ساف در مذاکرات خود با اسرائیل، پیوسته خواسته های جدیدی مطرح می کند. ادعای مقامات اسرائیلی مبنی بر دخالت پنج عضو الفتح در قتل میسراهی، بر افرا یکی از این پنج دانشجوی فلسطینی اهل رام الله در کرانه غربی رود اردن استوار است. این دانشجوی فلسطینی پس از بازجویی توسط نظامیان اسرائیلی، به علت خونریزی مغزی به بیمارستان انتقال یافت، رادیو اسرائیل، گزارش داد بازجویی از این دانشجوی، بسیار سخت بوده است.

دو هفته پیش گزارشهایی در مورد انعقاد قریب الوقوع قرارداد صلح میان اسرائیل و اردن منتشر شد. این گزارشها حاکی بود قرارداد مزبور، نه تنها برقراری مناسبات دیپلماتیک و تخلیه یک منطقه تحت اشغال اسرائیل در کرانه بحرالمیت، بلکه همچنین قرار گرفتن اردن زیر چتر حمایت نظامی اسرائیل را پیش بینی می کند. در این گزارشها آمده بود که قرارداد اسرائیل و اردن، اواسط آبان در پایتخت اردن مورد توافق دو طرف قرار گرفته است. با اینکه

شورای امنیت

قرار منع تعقیب ژنرال عیدید را صادر کرد

کند. منابع سازمان ملل گفته اند اکثریت این عده آزاد خواهند شد. شورای امنیت همچنین تصمیم گرفت کمیسیون ویژه ای برای تحقیق پیرامون حملات شبه نظامیان سومالی به سربازان سازمان ملل تشکیل دهد. از جمله موضوعات مورد تحقیق، قتل ۲۴ نظامی پاکستان سازمان ملل خواهد بود که انگیزه صدور حکم بازداشت عیدید در ماه ژوئن گذشته بود. قرار است کمیسیون سازمان ملل، نتایج تحقیقات خود را به مقامات قضایی سومالی ارائه دهد. آمریکا اعلام کرده است تحقیق درباره قتل بیش از ده سرباز آمریکایی در ماه گذشته از وظایف کمیسیون سازمان ملل نخواهد بود.

شکست بنیاد گریان در انتخابات اردن

بنیاد گریان اسلامی در انتخابات پارلمانی اردن که برای نخستین بار پس از چهار دهه، بطور آزاد و با شرکت احزاب مختلف برگزار شد، متحمل شکست سنگینی شدند. طرفداران ملک حسین پادشاه اردن که در چارچوب احزاب کوچک یا به صورت کاندیداهای منفرد در انتخابات شرکت کرده بودند، توانستند اکثریت کرسی های پارلمان را بدست آورند. بدین ترتیب، طرفداران روند صلح در خاورمیانه در انتخابات اردن پیروز

شورای امنیت سازمان ملل که چند ماه پیش به ابتکار آمریکا، نیروهای این سازمان را موظف به دستگیری ژنرال عیدید رهبر یک گروه شبه نظامی سومالی کرده بود هفته گذشته با زهم به ابتکار ایالات متحده قرار منع تعقیب عیدید را صادر کرد. هدف از مصوبه جدید، ایجاد جو بهتری برای مأموریت نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در سومالی اعلام شده است. قبل از تصویب قرار جدید شورای امنیت، نمایندگان سازمان ملل در سومالی هشت نفر از طرفداران عیدید را از بازداشتگاه خود آزاد کرد. شورای امنیت، از پطرس غالی دبیر کل سازمان ملل خواست تکلیف ۳۲ نفر دیگر از افراد عیدید را که دستگیر شده اند، تعیین

امکان تعویق خودمختاری فلسطینی‌ها

تصویب قانون اساسی موقت آفریقای جنوبی



ایا قانون اساسی جدید به خشونت‌ها پایان خواهد داد؟

در دولت دوره گذار که پس از انتخابات اردیبهشت ماه آینده تشکیل خواهد شد و اداره آفریقای جنوبی را تا پایان دهه حاضر برعهده خواهد داشت، نمایندگان همه احزاب حاضر در پارلمان شرکت خواهند کرد. انتظار می‌رود عنوان بزرگترین حزب، سرپر آورد و نلسون ماندلا رهبر این سازمان، به عنوان نخستین رئیس جمهور سیاهپوست برگزیده شود.

پیش‌بینی شرکت همه احزاب در دولت دوره گذار، به خواست حزب ملی حاکم آفریقای جنوبی به رهبری فردریک دکلرک رئیس جمهور فعلی در قانون اساسی موقت گنجانده شده است. حزب ملی می‌خواهد بدین ترتیب مانع این شود که ای. ان. سی. به تنهایی حکومت کند.

به مجلس شورای ملی آینده، که حکم مجلس مؤسسان را نیز خواهد داشت، همه احزابی که پیش از پنج درصد آرا را بدست آورند، راه خواهند یافت. همزمان با انتخابات این مجلس، در ۱۹ استان، مجالس ایالتی انتخاب خواهند شد. هر یک از این مجالس، ده نماینده به مجلس سنا خواهند فرستاد. ریاست جمهوری و ریاست دولت را بزرگترین حزب پارلمان تعیین خواهد کرد.

دکلرک، نخست‌خواهان آن بود که مقام ریاست جمهوری به تناوب به دو یاسه حزب بزرگ تعلق گیرد و نیز احزاب کوچک در پارلمان یا کابینه حق وتو داشته باشند. اما این خواست مورد موافقت ای. ان. سی. قرار نگرفت و دکلرک از موضع خود عقب نشینی کرد. البته قرار است تصمیمات کابینه حتی المقدور به اتفاق آرا اتخاذ شوند. اگر این امر میسر نشود، رأی گیری صورت خواهد گرفت. پس از مدتی کشمکش، قرار شد در چنین رأی گیری‌هایی، ملاک تصویب، اکثریت ۶۰ درصد قرار گیرد.

طبق آخرین نظرخواهی‌ها، امکان دستیابی ای. ان. سی. به ۶۰ درصد آرا در انتخابات زیاد است. میزان آرای حزب ملی، حداکثر ۲۰ درصد تخمین زده می‌شود و برخی برآورد‌ها، آرای این حزب را ۱۳ درصد ذکر می‌کنند، بدین ترتیب دکلرک نخواهد توانست روی نفوذ حزب ملی به عنوان دومین حزب حساب کند. تکیه گاه محکم تری برای دکلرک، دستگاه دولت و به ویژه نیروهای مسلح خواهند بود که در آینده نیز اکثریت افراد را سفید پوستان و طرفداران حزب ملی تشکیل خواهند داد. اقتصاد آفریقای جنوبی نیز تقریباً بطور کامل تحت کنترل سفیدپوستان است که

۱۱ ادامه در صفحه

۲۱ هیأت نمایندگی در مذاکرات پیرامون برقراری دمکراسی در آفریقای جنوبی، چهارشنبه هفته گذشته در مورد قانون اساسی موقت این کشور به توافق رسیدند. برخی نکات این توافق، تا آخرین ساعات پیش از امضای قانون اساسی موقت، مورد اختلاف قرار داشت. اجلاس چند حزبی تصویب کننده این توافق، در یک نشست پانزده ساعته تصمیم گرفت برای هموار کردن راه نخستین انتخابات دمکراتیک در آفریقای جنوبی در اردیبهشت ماه آینده، ۳۴ قانون بجا مانده از آهارتاید را لغو کند. قانون اساسی موقت آفریقای جنوبی به محض تصویب در پارلمان که قرار است همین هفته بر آن مهر تأیید بگذارد، رسمیت می‌یابد. قرار است هر سه مجلس پارلمان آفریقای جنوبی که به مجلس سفیدپوستان، رنگین پوستان و شهروندان هندی الاصل تقسیم شده است (سیاهپوستان نماینده‌ای ندارند)، با تصویب قانون اساسی موقت، خود را منحل کنند.

بر طبق قانون انتخابات جدید، در روز هفتم اردیبهشت سال آینده، پارلمان جدیدی انتخاب خواهد شد که از یک مجلس شورای ملی ۴۰ نفره و یک مجلس سنای ۹۰ نفره تشکیل خواهد گردید. تا هنگام انتخابات، اداره آفریقای جنوبی را یک کابینه موقت مشترک به ریاست رئیس جمهور و معاون وی، برعهده خواهند داشت. پارلمان جدید دولت موقت جدیدی را برخواهد گزید که زمام امور را تا سال ۱۹۹۹ برعهده خواهد داشت. از وظایف پارلمان منتخب، تدوین قانون اساسی دائمی است. نمایندگان دولت دکلرک، کنگره ملی آفریقا (ای. ان. سی.) و ۱۹ طرف دیگر شرکت کننده در کنفرانس، در مورد اصلاح نیروهای مسلح و پلیس و نیز انحلال "هوم لند"ها و "پانتوستان"های به ظاهر مستقل آفریقای جنوبی به توافق رسیدند. "هوم لند"ها و "پانتوستان"ها، مناطقی است که رژیم آپارتاید آنها را به ظاهر مستقل کرده و تحت اداره متحدان سیاهپوست خود قرار داده بود.

تا آخرین ساعات پیش از امضای قانون اساسی موقت، پیرامون پنج مسئله نظام سیاسی نوین، توافقی بدست نیامده بود. این پنج مسئله، عبارت بود از اکثریت لازم برای تصمیم گیری در کابینه جدید، پیش‌بینی برای این حالت که مجلس مؤسسان نتواند طرف دو سال با اکثریت دو سوم آرا قانون اساسی دائمی را تصویب کند، مقررات انتخاباتی، تدوین قانون اساسی مناطق و تعریف دقیق اختیارات مجلس سنا.

۱۲ ادامه در صفحه

متوجه دولت نخواهد بود، اما احترام به پارلمان منتخب حکم می‌کند که رئیس جمهور، اختیار پارلمان را نداشته باشد. این اختیار رئیس جمهور، که در متمم هشتم قانون اساسی به ابتکار ضیاء الحق دیکتاتور پیشین گنجانده شده است، از سوی غلام اسحاق خان رئیس جمهور سابق هم علیه بوتو و هم علیه نواز شریف مورد استفاده قرار گرفته بود. غلام اسحاق خان در سال ۱۹۹۰ بی نظیر بوتو در سال ۱۹۹۳، نواز شریف را برکنار کرد و خود در ناپستان امسال ناچار به کناره گیری شد.

ساف در قرارداد خودمختاری اریحا و غزه، متعهد به عدم توسل به قهر شده است. در بیانیه عرفات آمده است: "ما از قتل میسرایی، ابراز انزجار و آن را محکوم می‌کنیم." عرفات افزود خائیم میسرایی که روز هفتم آبان بدست پنج فلسطینی در کرانه غربی رود اردن کشته شد، بدون دستور رهبری ساف به قتل رسید. رهبر ساف از همه طرفها خواست قرارداد را رعایت و از اعمال قهر اجتناب کنند تا صلح حفظ شود. اسحاق را بین در جریان دیدار از واشنگتن، طی مصاحبه‌ای که از رادیو اسرائیل پخش شد، عرفات را تهدید کرده بود که اگر قتل میسرایی را محکوم نکند، روند صلح لطمه خواهد دید.

روز ۲۲ آبان، نظامیان اسرائیلی مستقر در یک پست کنترل در کرانه غربی رود اردن، یک فلسطینی هجده ساله را به قتل رساندند. همچنین در شامگاه ۲۱ آبان، در یک پست کنترل در شمال بیت المقدس، یک فلسطینی به ضرب گلوله اسرائیلی‌ها کشته شد.

در اسرائیل، ماجرای ربهود شدن و قتل یک ساکن یکی از شهرک‌های یهودی نشین در اوایل آبان، بهانه‌ای به دست مخالفان قرارداد صلح با ساف داد که از بحران اعتماد بین اسرائیل و ساف سخن بگویند و خواهان قطع مذاکرات خودمختاری شوند.

نخست اعلام شده بود که گروه حماس مسئول زبودن و کشتن خائیم میسرایی است. اما دو هفته پس از این حادثه، ارتش اسرائیل مدعی گردید پنج عضو سازمان الفتح به رهبری عرفات دست به این اقدام زده‌اند.

عرفات که پس از امضای قرارداد خودمختاری با اسرائیل، اعمال قهر از سوی اعضای سازمان خود را ممنوع کرده بود، توسط مقامات اسرائیلی از دخالت ادعایی اعضای الفتح در قتل یک اسرائیلی اطلاع یافت و سفر خود به پرتغال را تمام گذاشت.

یهودیان افراطی ساکن مناطق اشغالی می‌گویند که پس از قتل میسرایی قصد دارند انتفاضه یهودی را در این مناطق علیه خودمختاری فلسطینی‌ها به راه اندازند. یک سخنگویی ساکنان شهرک‌های یهودی نشین مناطق اشغالی، در اردو اسرائیل گفت که شهرک نشینان، همواره را بین را به نحو خطرناکی ساده لوح دانسته‌اند.

۱۲ ادامه در صفحه

از نیروهای ارتش جنوب لبنان، را به اسارت بگیرند. چند ساعت بعد، نیروهای هوایی اسرائیل، مواضع حزب الله در بعلبک لبنان را مورد حمله قرار دادند. همچنین، توپخانه اسرائیل و ارتش جنوب لبنان ده روستا در شمال نوار امنیتی رازیر آتش گرفتند. در همین منطقه، هلی کوپترهای جنگی اسرائیلی عملیاتی انجام دادند.

شیمون پرز وزیر خارجه اسرائیل، سوریه را متهم کرد که عمداً مانع خلع سلاح حزب الله



تظاهرات فلسطینیان به نفع باس عرفات و برقراری خودمختاری

در جنوب لبنان می‌شود. مرده‌های گورمعاون وزیر دفاع اسرائیل گفت ابعاد و زمان حملات حزب الله، تردیدی باقی نمی‌گذارد که سوریه دستور دادن زدن به تنش‌ها را داده است.

از سوی دیگر، رادیو اسرائیل سه شنبه گذشته گزارش داد اسحاق را بین نخست وزیر اسرائیل برای ملاقات با حافظ اسد رئیس جمهور سوریه تلاش می‌کند و از فرانسه تقاضا کرده است بدین منظور، میانجی‌گری کند.

بیل کلینتون رئیس جمهور ایالات متحده، محکومیت شدید قتل یک اسرائیلی توسط اعضای سازمان الفتح از سوی باس عرفات رهبر ساف را یک نشانه بسیار مثبت دانست. کلینتون روز ۲۲ آبان در واشنگتن گفت این برخورد عرفات به ساف و اسرائیل امکان خواهد داد "هماری کنند قرارداد را اجرا نمایند." یک روز قبل از این موضع‌گیری، کلینتون بدنبال گفتگو با اسحاق را بین نخست وزیر اسرائیل، عرفات را به عذرخواهی فراخوانده بود و خاطر نشان کرده بود

۱۲ ادامه در صفحه

نشان نمود که دلیلی برای چنین تعویقی نمی‌بیند. به گزارش خبرگزاری مصر، مذاکرات اسرائیل و ساف در قاهره درباره اجرای قرارداد خودمختاری که قرار بود تا سه شنبه هفته گذشته به پایان برسد، در تمام طول هفته ادامه می‌یابد. پیش‌بینی شده بود که موضوع اصلی این مذاکرات، عقب نشینی نیروهای اسرائیلی از مناطق خودمختار باشد، اما مذاکرات در هفته‌های اخیر به ویژه حول درگیری‌های قهرآمیز در مناطق

اشغالی صورت گرفت. سه شنبه هفته گذشته، دو فلسطینی توسط اسرائیلی‌ها در مناطق اشغالی به قتل رسیدند. در هفته‌های اخیر، نقش سوریه که مذاکراتش با اسرائیل دچار بن‌بست شده است، در رابطه با روند صلح خاورمیانه در مرکز توجه قرار داشت. اسرائیل، سوریه را متهم به داشتن مسئولیت در مورد نبرد های سنگین میان نیروهای حزب الله لبنان از یک سو و سربازان اسرائیلی و شبه نظامیان ارتش جنوب لبنان از سوی دیگر کرد. در جریان این نبردها در جنوب لبنان، اسرائیل لبنان را مورد حمله شدید هوایی قرار داد. سه شنبه هفته گذشته طی این زد و خورد ها که شدیدترین درگیری‌ها از هنگام انعقاد قرارداد اسرائیل و ساف بود، یک لبنانی کشته و دو نفر مجروح شدند. همچنین دو نظامی اسرائیلی و دو عضو ارتش جنوب لبنان که مورد حمایت اسرائیل است، مجروح گردیدند. نیروهای حزب الله موفق شدند با رخنه به نوار امنیتی تحت اشغال اسرائیل در جنوب لبنان، دوازده نفر

هفته به گفتگو درباره چگونگی اجرای قرارداد خودمختاری ادامه دهند. هفته گذشته مذاکرات اسرائیل و فلسطینی‌ها تحت الشعاع ناآرامی‌هایی در مناطق اشغالی و درگیری‌های نظامی در لبنان قرار گرفت. وزیر بهداشتی اسرائیل مدعی شد ساف در مذاکرات پیرامون اجرای قرارداد ۲۲ شهریور، حضور سازمان یافته ندارد. وی افزود "ما علی‌رغم همه دشواری‌ها به توافق خواهیم رسید، شاید نه تا ۱۳ دسامبر (۲۲ آذر)، اما قطعاً تا پایان ماه دسامبر." در مقابل، فلسطینی‌ها عدم رعایت مهلت پیش‌بینی شده برای آغاز خودمختاری را خطرناک ارزیابی کردند. صائب‌ارکات عضو هیأت نمایندگی فلسطینی در مذاکرات خاورمیانه اظهار داشت: "اگر بخواهیم قرارداد را حفظ کنیم، باید تاریخ تعیین شده را رعایت نماییم." تبیل شعث رئیس هیأت فلسطینی، این ظن را ابراز کرد که سخن گفتن از امکان تعویق خودمختاری، بخشی از تبلیغات مخالفان معاهده است. وی خاطر

۱۲ ادامه در صفحه

۱۲ ادامه در صفحه

۱۲ ادامه در صفحه

۱۲ ادامه در صفحه

۱۲ ادامه در صفحه

۱۲ ادامه در صفحه

۱۲ ادامه در صفحه